

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۶۸، شنبه اول اسفند ۱۳۹۴ - ۲۰ فوریه ۲۰۱۶

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- شب شور و غرور؛ یادمان چهل و پنجمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد...ص ۲
گرامیداشت قیام سیاهکل در زندان گوهردشت...ص ۴
تا وقتی آزادی و عدالت نباشد، صلحی هم در کار نخواهد بود - لیلا جدیدی...ص ۵
جنبشهای اجتماعی و تدارک انقلاب - زینت میرهاشمی...ص ۷
بحران سوریه، ادامه دیکتاتوری بشار اسد - مهرداد قادری...ص ۱۱
پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل...ص ۱۷
مُسلمان کُشی، عمق راهبردی و مرز امنیت خامنه ای - مهدی سامع...ص ۲۰
بازیگران نمایش انتخابات بیش از اینها تحقیر خواهند شد - منصور امان...ص ۲۲
زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری...ص ۲۵
چالشهای معلمان در بهمن ماه...ص ۲۸
دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد...ص ۳۲
کارورزان سلامت - امید برهانی...ص ۳۵
برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۹۴ - زینت میرهاشمی...ص ۳۹
در سوگ درگذشت رفیق تراب حق شناس - مهدی سامع...ص ۴۶
"شعله برگرده غروب" - م. وحیدی (صبح)...ص ۴۷
پیامهای فعالان سیاسی اجتماعی در داخل کشور...ص ۴۸
زندانی کردن کارگران مس خاتون آباد، یک اقدام ننگین - زینت میرهاشمی...ص ۵۰
باز هم واردات زیر چتر فساد اقتصادی - لیلا جدیدی...ص ۵۰
شهادت فدایی در اسفند ماه...ص ۵۱
انتشارات تصویری سازمان...ص ۵۲

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

شب شور و غرور یادمان چهل و پنجمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد



بعد از ظهر روز شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۴ (۱۳ فوریه ۲۰۱۶) مراسم چهل و پنجمین سالگرد حماسه سیاهکل در شهر کلن (آلمان) برگزار گردید.

سالن برگزاری مراسم که بر دیوارهای آن آرم سازمان، تصویرهایی از شهدای حماسه سیاهکل، رهبران و بنیانگذاران سازمان و نیز عکسهایی از خیزشهای مردم ایران دیده می شد، مملو از شرکت کنندگانی بود که با حضور پرشور خود آن را سرشار از جان و زندگی کرده بودند.

در آغاز برنامه رفیق لیلا جدیدی به حضار خوش آمد گفت و در سخنان کوتاهی یاد حماسه سازان سیاهکل را گرامی داشت. وی در بخشی از سخنان خود گفت: "فداییان سرنوشت شان را با سرنوشت مردم سرکوب شده و بی حقوق این سرزمین شریک شدند و روح مقاومت را با تمام شجاعت و دلاوری اش، بر پیکر فرهیخته ترین و آگاه ترین بخشهای جامعه دمیدند."



آنگاه رفیق لیلا آغاز همایش را با یک دقیقه سکوت به پاس رزمندگان دلیر گروه جنگل و همه جانبختگان راه سرخ آزادی و دادگری و به احترام مقاومت زندانیان سربلند سیاسی، اعلام کرد.

پس از اعلام برنامه، یک ویدیو کلیپ در گرامیداشت شهدای رستاخیز سیاهکل پخش شد. سپس بخشهایی از بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران توسط رفیق کامران عالمی نژاد خوانده شد و آنگاه سرود "خون ارغوانها" پخش گردید.



به دنبال آن، رفیق زینت میرهاشمی، عضو کمیته مرکزی سازمان و سردبیر نشریه "نبرد خلق" سخنرانی خود با عنوان "جنبشهای اجتماعی و تدارک انقلاب" را شروع کرد. رفیق زینت در سخنرانی خود شرایط کنونی و چالشهای جنبشهای اجتماعی در ایران را توضیح داد. متن کامل سخنرانی این رفیق در شماره آینده "نبرد خلق" منتشر خواهد شد.

بعد از آن، رفیق مهرداد قادری، مسوول روابط خارجی سازمان، به سخنرانی زیر عنوان "بحران سوریه، ادامه دیکتاتوری بشار اسد" پرداخت. متن کامل سخنرانی رفیق مهرداد نیز در شماره آینده "نبرد خلق" منتشر خواهد شد.



در آغاز بخش دوم برنامه همایش، ابتدا رفقا امیر ابراهیمی و کامران عالمی نژاد پیامهای ارسالی از جانب "جمعی از پشتیبانان جنبش فدایی"، "جمعی از دانشجویان کمونیست"، "جمعی از جوانان کمونیست ایران"، "جمعی از کارگران پروژۀ ای منطقه عسلویه و پارس جنوبی"،

"جمعی از طرف هواداران سچفخا در لرستان"، "پیام برخی از فعالان سچفخا" و گزارش برگزاری مراسم یادمان حماسه سیاهکل در بند چهار زندان گوهردشت را به اطلاع حضار رساندند.

قبل از آغاز بخش گفتگوها، رفیق سیامک موید زاده ضمن تجلیل از حماسه آفرینان سیاهکل و معرفی یک جزوه در یادبود شهدای جنبش سوسیالیستی، فراخوان فعالان کارگری در ایران برای جمع آوری کمک مالی را به آگاهی شرکت کنندگان رساند. این فراخوان با استقبال گرم و



همبستگی حضار روبرو گردید.

در بخش گفتگوها، شرکت کنندگان در همایش به طرح دیدگاه ها، سوالات و انتقادات خود پرداختند و سخنرانان نیز به سوالات طرح شده پاسخ دادند.

پس از آن، بخش هنری آغاز شد که رفیق فریدون رضانی از کارگاه هنر ایران ترانه - سرودهای به یادماندنی سازمان را اجرا کرد و رفقا ربابه جوزقی و فتح الله کیاییها هر کدام یکی از سروده های خود را اجرا کردند.



از قلب عاشقان سرخ عدالت سلام ای غول
از میان شعله های خیابانی شهادت سلام
و جزیره های خون پراکنده
سرخواهی کشید

همایش چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با طنین سرود انترناسیونال و اجرای دسته جمعی آن به پایان رسید.

در این همایش، تعدادی از فعالان سیاسی اجتماعی از گرایشهای مختلف، شماری از اعضای شورای ملی مقاومت و دبیرخانه آن حضور داشتند و دسته گلهای زیبایی از جانب شورای ملی مقاومت، هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران و رادیو پیشگام به مراسم تقدیم شده بود. آقای م. قربانی، یکی از دوستداران جنبش فدایی، تابلوی زیبایی از آثار خود را به مراسم تقدیم کرد.

فیلم کامل این مراسم پرشکوه به تدریج در شبکه جهانی اینترنت قرار داده خواهد شد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یکشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۴ - ۱۴ فوریه ۲۰۱۶

فیلم کامل مراسم پرشکوه چهل و پنجمین سالگرد حماسه سیاهکل در شهر کلن در آدرس زیر

<https://www.youtube.com/channel/UCcdEFTIwuyOU4guq-ci6g7w>

گرامیداشت قیام سیاهکل در زندان گوهردشت



زندانیان سیاسی زندان گوهردشت سالگرد قیام سیاهکل را گرامی داشتند.

در مراسمی که به همین مناسبت در بند چهار این زندان برپا گردید، یاد و خاطره این قیام دلیرانه علیه رژیم شاه و شروع دوران جدیدی در مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری پاس داشته شد.

در این مراسم، شعرهایی با همین مضمون و در ستایش از راه و رسم و تاثیر سیاهکل

خوانده شد. در ادامه نیز، سالروز رویش این نهال در جنگلهای سبز شمال، با پخش شیرینی جشن گرفته شد.

منتشر شد

زیر محک زمان

قطعهنامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



به مراسم یادمان حماسه سیاهکل خوش آمدید

تا وقتی آزادی و عدالت نباشد، صلحی هم در کار نخواهد بود

لیلا جدیدی

سلام و درود

خانمها، آقایان، دوستان و رفقا

از طرف خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به شما خوش آمد می گویم. خوشحالم که در مراسم بزرگداشت چهل و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل در کنار هم هستیم.



اجازه دهید همایش امروز را با یک سوال شروع کنیم:

آیا می توان از تاریخ آموخت؟ ... بی تردید آری، از تاریخ می توان بسا فرا گرفت. تاریخ همچون زرادخانه ای عظیم، مجموعه ای بزرگ از رویدادها، سرنوشتها و شخصیتها را در خود نگه داشته است. نگاه به تاریخ نشان می دهد که چه چیزی ممکن بود و ممکن هست. نشان می دهد انسانها قادر به چه کارهایی بوده و نبوده اند و قادر به چه کارهایی هستند یا نیستند.

با این حال تجربه های جمعی - که تاریخ مملو از آنهاست - به سختی تبدیل به بخشی از آگاهی فردی می شوند، مگر آنکه رویداد آنچنان سهمگین و شعاع تاثیر آن چندان گسترده باشد که به پدید آمدن نوعی آگاهی تاریخی بیانجامد.



در این حالت، انسان قرار گرفته در این شعاع، خود را به عنوان حلقه ای از یک زنجیره بلند باز می یابد که از گذشته به اکنون امتداد یافته و رو به سوی آینده می رود.

چنین رویدادی، یک داستان جذاب و به نوعی آموزنده نیست که ما را با کردارهای خوب و بد نسلهای گذشته و قهرمانان و تبهکاران آشنا می کند، بلکه جرقه ای است در ضمیر خودآگاهی برای درک این واقعیت که نقطه عطفها در تاریخ، اجزای یک روند هستند که در آنها یک هدف را می توان تشخیص داد.

از این زاویه، حماسه سیاهکل فقط مقطع تاریخی کشیدن خط سرخ و رزمنده با بی عملی تئوریزه شده نیست.

سیاهکل آن حلقه ای از زنجیره تاریخ است که امیدها و آرزوهای ثبت شده و بر زمین مانده گذشتگان را به مطالبات معاصران پیوند می دهد، راه ورود و حضور تلاشهای آنان و سهمیه خونی که نسلهای پیشین ایران زمین در راه آزادی و عدالت اهدا کرده اند را به زندگی اکنون باز می کند.

صفایی فراهانی و یارانش با کوله باری سنگین از گذشته مردمان این سرزمین پا به جنگل سبز مقاومت گذاشتند، مردمانی که شکست خورده بودند، آنها که استثمار شده بودند، آنها که به بردگی کشیده شده بودند و اینک در گامهای چریکهای فدایی طنین ستیز و پایداری را می شنیدند.

فداییان سرنوشت شان را با سرنوشت مردم سرکوب شده و بی حقوق این سرزمین شریک شدند و روح مقاومت را با تمام شجاعت و دلاوری اش بر پیکر فرهیخته ترین و آگاه ترین بخشهای جامعه دمیدند.

چریکهای فدایی نشان دادند آنجا که حق به ناحق تبدیل می شود، برآشفتن یک وظیفه و فضیلت است. پس روی پای خودشان ایستادند و برای آزادی شان جنگیدند.

فداییان فقط به اعلام خواسته ها بسنده نکردند، آنها راه ویژه ای را نیز برای حرکت در مسیر کسب آن نشان دادند و خود پیشتاز این راه شدند در حالی که شفاف تر از آبهای خزر می دانستند و فاش می گفتند، فرآیندی سخت و طولانی خواهد بود.

با این حال، چریکهای فدایی روی زمین سرخ میهن پای فشردند که تا وقتی آزادی و عدالت نباشد، صلحی هم در کار نخواهد بود. آری، هدفی که ما به سوی آن حرکت می کنیم، شایسته چنین لحظه ای در تاریخ هست.

این سنتی است که آنها بر جا گذاشتند؛ سنت مقاومت و مبارزه که همچنان به عنوان الهام بخش مبارزه کنونی ما، راست قامت در میدان نبرد برای آموهای عادلانه، شرافتمندانه و انسانی حضور دارد.

پس به یاد بیاوریم صفایی فراهانی و رفقای گروه جنگل را. برخیزیم و به پاس آنها یک دقیقه سکوت کنیم.



برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

جنبشهای اجتماعی و تدارک انقلاب

زینت میرهاشمی

متن سخنرانی زینت میرهاشمی در مراسم یادمان چهل و پنجمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درود به همه شما عزیزانی که از راههای دور و نزدیک عزمتمان را جزم کردید تا در ۴۵ امین سالگرد حماسه سیاهکل و تولد جنبش نوین کمونیستی با ما باشید. از همه دوستان و رفقای که با پیامهای شان از راه دور ما را همراهی می کنند سپاسگزارم.



ما جمع شدیم تا یاد و رسم انسانهایی را زنده نگاه داریم که تباهی و مرگ از درگاه بلند خاطره آنان شرمسار و سرافکننده گذشت. ۴۵ امین سالگرد کاشفان فروتن شوکرانی که در برابر تندر ایستادند و خانه را روشن کردند و جانشان را برای نگاه داشتن مشعل مبارزه برای آزادی، عدالت و کمونیسم فدا کردند را با هم پاس داریم. ما هستیم و خواهیم بود تا «نعره ببرهای عاشق در دیلمان» را زنده نگاه داریم و با پیکار خودمان آن که می گفت «مبارزه مُرد، زنده باد سازش» را شرمسار کنیم.

در سال گذشته چند تن از مادران فدایی و مجاهد که نسلی از مبارزان جان بر کف را در دو دیکتاتوری شاه و خمینی در دامان خود پرورش دادند را از دست دادیم. متأسفانه این مادران با رنج و دردهای فراوانی که کشیدند، زنده نماندند تا پیروزی راه و آرمان فرزندان شان را ببینند. در یک سال اخیر مادر بهکیش و مادر سپهری را از دست دادیم. مادر بهکیش که ۵ فرزند و دامادش و مادر سپهری که ۵ فرزندش در راه آزادی و سوسیالیسم جان فدا کردند.

رنج و سختی تحمیل شده به مادران، خود بخش بزرگی از تاریخ جنبش ضد دیکتاتوری را تشکیل می دهد که اهمیت زیادی دارد. ما چشمهای اشکبار و قلب رنج کشیده این مادران را نمی توانیم فرموش کنیم و خود را به ادامه راه فرزندان آنها متعهد می دانیم.

برای ما رویداد سیاهکل تنها یک بخش از جنبش ضد دیکتاتوری نیست که تاریخ مصرفش تمام شده باشد و فقط سالگرد آن را گرامی داریم. حماسه سیاهکل که در آن شرایط سخت مستقل از همه قطبهای جهان در پیکر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به حیات خود ادامه داد، دستاوردهایی داشته که هم اکنون نیز جنبش چپ از آن نیرو می گیرد و از آن تغذیه می کند.

مهمترین درس و خصوصیت بارز و مشخص این رویداد، که امروزه روی آن تاکید می کنیم این است که؛ مبارزه آری، تسلیم نه!

پیام و درس رستاخیز سیاهکل برای امروز چنین است؛

سرنگونی رژیم آری، تسلیم به قانون اساسی ولایت فقیه نه!

و مداخله در جنبشهای اجتماعی برای ایجاد قطب توده ای در مقابل رژیم!

نه به هر تلاشی که در خدمت طولانی شدن عمر رژیم ولایت فقیه باشد!

و نه به انتخابات فرمایشی و ضد دمکراتیک!

در مورد تحولات و رویدادهای مهم همه شما در جریان آن هستید و حتماً از من بیشتر دنبال کرده اید. پس من به جنبه های گوناگون این رویدادها نمی پردازم. نکته مهم اما برآمد این رویدادها است که بازیگران صحنه سیاست، مداخله گران و کنشگران سیاسی اجتماعی راهبردهای متفاوت در رابطه با آن دارند. من به طور مختصر به یکی از مولفه های شرایط کنونی می پردازم. به جنبشهای اجتماعی!

جنبشهای اجتماعی در ایران که شامل حرکتهای اعتراضی کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، ملیتها، جوانان، بیکاران، فعالان سیاسی و مدنی است پیکر واحدی را تشکیل می دهند که خواسته های برحق آنان با دیوار ضخیم سرکوب رژیم در کلیت آن، یعنی با همه باندهای درونی آن برخورد می کند.

ما در مورد تحولات و رویدادهای روز، در فراسوی خبرها که در سایت ایران نبرد و جنگ خبر منعکس می شود به طور روزانه نظراتمان را مطرح می کنیم و رژیم را به چالش گرفته و از جنبشهای اعتراضی مردمی پشتیبانی می کنیم.

اخیراً مجموعه قطعنامه های شورای عالی سازمان که حاوی نظرات سیاسی و ایدئولوژیک ما است در کتابی به نام «زیر محک زمان» منتشر شده است. این مباحث، کهنه نیست و تا روزی جمهوری اسلامی بر سر کار است تازگی خود را دارد، امیدوارم که شما آن را ببینید و بخوانید و اگر لازم می دانید نقد کنید.

در سال گذشته حرکتهای اعتراضی بیشماری از جانب نیروهای کار صورت گرفت. بیان برخی از این حرکتها در ماهنامه نبردخلق منتشر شده است. بر اساس آمار رسانه های حکومتی که بدون تردید بخشی از واقعیت را پوشش می دهند، در ۱۱ ماه گذشته بیش از دو هزار حرکت اعتراضی بزرگ و کوچک وجود داشته است. به خاطر تشدید تضاد بین مردم (پایینها) و حکومت (بالاییها)، به عنوان عامل اساسی، و به خاطر برخی عوامل خارجی، به عنوان عامل موثر، تضاد در درون هرم قدرت و ثروت به نحو بی سابقه تشدید شده است.

لنین در توصیف این گونه شرایط می نویسد: «برای یک مارکسیست تردیدی وجود ندارد که انقلاب بدون موقعیت انقلابی غیرممکن است. البته هر موقعیت انقلابی به انقلاب ختم نمی شود. به طور عام نشانه های موقعیت انقلابی را می توانیم به طور عمده با سه مورد تعریف کنیم؛

۱) طبقات حاکم امکان ندارند تا فرمانروائی خود را به شکل تغییر نیافته حفظ کنند؛ بحران در میان «بالاییها» یعنی بحران سیاست طبقه حاکم، شکافی ایجاد می کند که ناخرسندی و برآشفستگی طبقات ستمدیده در آن راه می یابد. برای شروع انقلاب به طور عام کافی نیست که «پایینی ها نخواهند» بر روال گذشته زندگی کنند، بلکه علاوه بر آن لازم است که «بالاییها هم نتوانند» بر شکل سابق حکومت کنند.

۲) تشدید بیش از حد فقر و بدبختی طبقات ستم زده.

۳) رشد و اعتلای فعالیت توده ها که در دوران «سکون» به آرامی می گذارند تا غارت شان کنند، ولی در ادوار طوفانی چه تحت تأثیر مجموع بحران و چه به وسیله خود «بالاییها» به میدان عمل تاریخی مستقل کشانده می شود.»

ملاحظه می کنید که آن چه در جامعه ما در حال وقوع است به این تعریف کاملاً منطبق است. در چنین شرایطی معمولاً از درون حاکمیت نیروهایی درصدد بر می آیند که با برخی ادعاها، بحران را مهار و کل حاکمیت را نجات دهند.



می دانیم که ماهیت، خصلت و عملکرد دیکتاتوری و چپاولگری رژیم ولایت فقیه با وجود شراکت بیشتر باند رفسنجانی در قدرت و حتا شورایی شدن ولایت فقیه، تغییری نمی کند! این نکته اول است که ما باید به طور مداوم به مردم محروم و تحت ستم کشورمان یادآوری کنیم، قانون اساسی ارتجاعی رژیم را افشا کنیم و عملکرد سدی که در مقابل مردم و حرکت‌های اعتراضی آنان قرار دارد را به روشنی افشا کنیم.

استبداد مذهبی یک پیکر واحد است که با تمام قدرت و امکانات در مقابل حرکت‌های مردمی ایستاده است و تعامل با دیکتاتوری فریب تودها، خاک پاشیدن بر چشم آنان و به انفعال کشیدن مبارزه برای

حق زیست است و از همه خیانت‌بار تر انتظار «تغییر رفتار» دیکتاتور در برخورد با مردم است.

نکته دوم که معمولاً در این گونه شرایط از جانب مدافعان رسمی و شرمگین حکومت پیرامون جنبش اجتماعی مطرح می شود، مساله خشونت است. آنان به مردمی که به طور طبیعی خواستار مبارزه مسالمت آمیز برای تحقق خواسته های خود هستند هشدار می دهند که خشونت بد است، آخ است، متمدنانه نیست و گوش فلک را با انواع و اقسام تیوریه‌های پوچ پُر می کنند. خشونت البته بد است و تا آن جا که من حداقل از تاریخ کشور خودمان اطلاع دارم هیچگاه توده های مردم در مبارزه خود در ابتدا از اشکال غیر مسالمت آمیز استفاده نکرده اند.

اما مساله اساسی این است که این رژیم ولایت فقیه است که در مقابل حرکت‌های حق طلبانه و مسالمت آمیز مردم از خشونت استفاده می کند و آن را بازتولید می کند. سرکوبیهای بی امان، اعدامها، خودکشیها و حتی بحران محیط زیست مردم، ناشی از خشونت است که رژیم در مورد مردم اجرا می کند.

بنابراین ما و مردم ما نباید فریب نظریه پردازان ضد خشونت که در حقیقت نظریه پردازی برای حفظ حکومت می کنند را بخوریم. استفاده از همه اشکال مبارزه بر اساس شناخته شده ترین معیارها بین المللی حق مردم ایران است و در مبارزه اصل ادامه پیکار برای دستیابی به حق است و نه تعطیل آن از بیم آغشته شدن به خشونت. ما فداییان با تاکید و بدون هرگونه وسواس و ملاحظه کاری و در برخورد صادقانه با مردم ایران باید تاکید کنیم که مبارزه بی هزینه و کم هزینه در شرایط دیکتاتوری دینی ولایت فقیه وجود ندارد.

سومین مساله مهم برای جنبشهای اجتماعی، موضوع جایگاه مبارزه مردم در رقابتهای درون هرم قدرت است. جنبشهای اجتماعی نباید به ابزاری در دست این یا آن باند حکومت باشند. مثلاً نباید در یک شعبده بازی انتخاباتی در جبهه این یا آن باند حکومت قرار گیرند. رژیم ولایت فقیه ظرفیت تن دادن به یک انتخابات آزاد و دمکراتیک با نظارت داخلی و بین المللی را ندارد. حتی باند ولایت فقیه به ندرت به یک انتخابات رقابتی در درون حاکمیت تن داده است. این رژیم و تمامی

قوانین و نهادهای ارتجاعی از آن ما مردم نیست، نباید به قدرتمایی های خامنه ای اهمیت داد و به آن تسلیم شد. شاه نیز بسیار قدرتماییها می کرد اما با قیام میلیونی مردم که اکنون در سالروز آن هستیم سرنگون شد. نباید به اراجیف حسن روحانی دل بست. راه تعامل با دیکتاتوری مذهبی بیراهه است. مبارزه را نباید مانند لباسهای قدیمی در کمد گذاشت تا روزی که زمانش فرا رسد از آن استفاده کرد. کشمکش باندهای حکومتی، اگر چه نشأت گرفته از تضاد مردم با حکومت است، اما همه باندهای حکومتی در سرکوب مردم با هم منافع مشترک دارند. از سومین مساله مهم در برابر جنبشهای اجتماعی نتیجه می گیرم که باید نمایش انتخابات رژیم را تحریم کرد و در روز ۷ اسفند در خانه ماند و در بقیه روزها برای پیشرفت مبارزه تلاش کرد.

خلاصه کنم؛

با توجه به سه مساله اصلی جنبشهای اجتماعی و در فراسوی دوره پسا بگرام و با قراردادهای تجاری و ساخت و پاختهای علنی و پنهانی امپریالیستها با رژیم ولایت فقیه، در مقابل ما و مردم ایران کدام راه قرار دارد؟ ابتدا باید پذیرفت که حتی در شرایط انقلابی، تحولات مردمی به طور خودبخودی صورت نمی گیرد. مسیر تحولات بستگی به مداخله گری هر چه بیشتر جنبش اجتماعی و جریانهای مترقی، دموکرات و چپ در رویدادها دارد. هدف این مداخله گری تا آن جا که به وظایف ما، منظوم سازمان ما، برمی گردد، قوی شدن جنبش ضد دیکتاتوری، پیوند دادن جنبشهای اجتماعی با جنبش ضد دیکتاتوری و بسیج توده های مردم برای تحقق آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی دارد. ما در سخن گفتن با مردم، در برابر استبداد دینی، جمهوری مستقل و دمکراتیک را قرار می دهیم، در برابر حکومت دینی، جدایی دین از دولت (نظام لائیک) را قرار می دهیم، در برابر دیکتاتوری و نقش ولی فقیه، آزادی، دموکراسی و مشارکت مردمی در امر سرنوشت خود را قرار می دهیم، ما به جنبش اجتماعی پیش نهاد می کنیم که ضمن استفاده از هر روزنه و شکافی در درون هرم قدرت، به مبارزه مستقل خود ادامه داده و هرچه بیشتر متحد و متشکل شوند. ما مدافع ایجاد جبهه همبستگی و مدافع اتحاد و همکاری بین نیروهای جمهوریخواه، دموکرات و مستقل هستیم. حضور ما در شورای ملی مقاومت ایران به خاطر سرعت دادن به امر سرنگونی رژیم و کم کردن هزینه این مبارزه است. ما با همه کسانی که علیه دیکتاتوری مبارزه می کنند و در مقابل مبارزه مردم سد ایجاد نمی کنند در هر کجا که باشند، از سلولهای اوین و غزل حصار تا کارخانه ها و مدارس و بیمارستانها و محلات خود را همراه می دانیم و دست آنها را می فشاریم و با آنهايي که مبارزه علیه دیکتاتوری را خنثی می کنند و از دریچه مماشات و سازش به آرایش و بزک کردن چهره دیکتاتوری در داخل و خارج اقدام می کنند، در هر جا که باشند مبارزه و افشای شان می کنیم. و بدین ترتیب ما به سهم و اندازه خود در امر تدارک انقلاب دمکراتیک مشارکت می کنیم و راه بزرگی که از سیاهکل آغاز شد را ادامه می دهیم.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

بحران سوریه، ادامه دیکتاتوری بشار اسد

مهرداد قادری

متن سخنرانی مهرداد قادری، مسوول روابط بین المللی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در همایش چهل و پنجمین سالگرد رستاخیر و حماسه سیاهکل



دوستان، رفقا با سلام و تشکر از حضورتان

امسال حضور شما در گرامیداشت چهل و پنجمین سالگرد سیاهکل با توجه به شرایط ایران و اوضاع بین المللی، اهمیتی بیش از پیش دارد.

در حالیکه رژیم خونخوار، ارتجاعی و شریک همه جانبه امپریالیزم، جمهوری اسلامی، مشغول به آرایش چهره کریه خود با سازماندهی به اصطلاح انتخابات دو مجلس است، بسیاری در مورد شرکت در این انتخابات نظریه پردازی می کنند. شما با حضور خود در اینجا دست رد به سینه این فرومایگان ورشکسته زده، تا به رژیم جمهوری اسلامی در تمامیت اش یک "نه" بزرگ بگویید.

بله، هستند کسانی که این روزها به پای صندوق رای رفتن را راهی برای باز شدن فضای سیاسی اجتماعی ایران می دانند؛ همان کسانی که در صف رای مراکز تروریستی رژیم ولایت فقیه در خارج با لبخند به دیگران توصیه می کنند که برای نجات ایران به آنها به پیوندند.

ما هم به اینها توصیه می کنیم بروند در صف بنزین، نان، درمان و ملاقات با عزیزانی که در زندانهای رژیم با هیولای ولایت فقیه دست و پنجه نرم کنند، به بینیم آیا باز هم در خارج با لبخند در صف رای می ایستند یا نه ... امثال آقای فرخ نگهدار که شرکت در انتخابات را تئوریزه می کند.

بی دلیل نیست که خامنه ای آنقدر پررو شده و می گوید: "همه در انتخابات شرکت کنید، حتی کسانی که با من مخالفند." این البته قابل درک است. چیزی که کمتر می فهمیم، افرادی هستند که با خامنه ای همزمانند.

فرخ نگهدار شرکت در انتخابات را تبلیغ و آن را به گونه ای عامل رقیق شدن فضای سرکوب می داند. بی شک سرکوب، تروریزم و حضور نیروهای اشغالگر رژیم در عراق و سوریه را در امتداد تئوری شان چنین تعریف خواهند کرد که اگر رژیم در جایی دیگر درگیر باشد مردم ایران را کمتر سرکوب خواهد کرد!

نخیر آقایان و خانمها! شما روند دمکراتیک را ترویج و تئوریزه نمی کنید. از خودفروختگی و خیانت که بگذریم، همگی تئوریسینهای سرکوب هستید، سرکوب دیگران البته.

خامنه ای به شما می گوید بیا بید رای بدهید، به من و نظام مشروعیت بدهید تا من هم بزنم توی سرتان و شما لبخند می زنید.

این ترکیب از هواداران جمهوری اسلامی نه فقط در ایران، بلکه در اقصی نقاط جهان در نیروهای مختلف سیاسی وجود دارد و در کانون بحران سوریه ماسک از چهره های شان برداشته می شود. با کمبود وقت در اینجا نمی توانیم به طور جامع به همه بپردازیم، اما هیچ چیز پیچیده ای نیست. از طرفی کافی است که ابزار تحلیل در دست داشته باشیم و از طرف دیگر، آن را در چارچوب سیاسی و ایدئولوژیکی موزونی به کار گیریم.

ابزار تحلیل، شناخت نیروها و تحلیل طبقاتی جامعه و بافت اقتصادی آن در چارچوب سیاسی ایدئولوژیک مارکسیستی است.

بسیار عادی است که همه کسانی که به آزادی دلبنند، از حضور داعش و ضعف نیروهای دمکراتیک و چپ در سوریه و امکان ایجاد یک جمهوری اسلامی دیگر بترسند.

از طرفی نیز می دانیم که شرط اول تحقق آزادی و دمکراسی، لایسیته است. فرق اساسی بین شرایط قیام بهمن و "بهار عرب"، در حضور رهبری منسجم است. در ایران، خمینی نقش رهبری را داشت، بر عکس در "بهار عرب" از تونس و مصر تا سوریه، کمبود این رهبری ملموس است. در این کشورها هیچ پروسه ای به تکامل خود نرسیده، نه انقلاب نه قیام و نه سرنگونی کامل رژیمها در بافت طبقاتی خودشان. به بهترین وجه می توان از یک پروسه انقلابی صحبت کرد و به این دلیل، برای به نتیجه رسیدن این قیامها، به وقت و زمانبندی که شایسته دینامیزمهای اقتصادی اجتماعی باشد نیاز است و در همین چارچوب نیز باید تحلیل شوند.

کلیه جنبشهای اسلامی از اخوان المسلمین تا داعش فاقد برنامه سیاسی اقتصادی روشن هستند؛ برنامه ای که موجب تغییر وضعیت کنونی مردم از نظر اجتماعی، اقتصادی، نهادینه کردن دمکراسی و گسترش رفاه اجتماعی باشد. آنها کاملا در ابعادی که اشاره کردم، یا در درون یا پیرامون تزه های نو - لیبرالیستی قرار دارند.

اگر از ما بپرسند در چارچوب تحلیل مارکسیستی، آیا انقلاب سوریه یک انقلاب طبقاتی است، یعنی به صورت کلاسیک رویارویی و جنگ بین کارگران و بورژوازی سوریه است، می گوییم نه. به نظر ما این جنگی است سرسخت با دیکتاتوری موجود و در این رویارویی به طور نسبی همه هستند، از کارگران و زحمتکشان شهری تا روستاییان و بورژوازی غیر دولتی سوریه.

به این دلیل قیام مردم شریف سوریه یک قیام دمکراتیک است. قیام - یا اگر می خواهید - انقلاب دمکراتیک که در یک پروسه به سوی راه حل نهایی خواهد رفت؛ پروسه ای که در کنش و واکنشهای اقتصادی اجتماعی با تضادهای بسیاری روبرو خواهد بود. تضاد عمده ای که با آن روبرو خواهد بود، ساختار اقتصادی و طبقاتی است.

حل و تغییر شرایط موجود بدون جایگزین کردن سرمایه های اقتصادی، یا آنچه که ما در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به آن نام "توسعه پایدار" دادیم، میسر نخواهد بود و این فقط در یک چهار چوب دمکراتیک امکان پذیر خواهد بود. اولین شرط برای ادامه پروسه انقلابی در سوریه - همانطور که در ایران - برداشته شدن سد مقابل دمکراسی، یعنی دیکتاتوری بشار اسد است.

به طبع در ادامه روند انقلابی تضادهای طبقاتی روز به روز حادثر شده و خواهان راه حل می باشد. اما در ابتدای این روند - همانگونه که در ایران می بینیم - در سوریه نیز اکثریت مردم با هر پایه طبقاتی، خواهان آزادی و سقوط دیکتاتوری بشار اسد هستند و در مقابله با مردم تنها بورژوازی مریض و مافیایی رژیمهای اسد و خامنه ای و الیگارشیشان آنها به میدان می آیند.

در این مقطع تاریخی و در ابتدای شروع حرکتها دمکراتیک است که نه تنها ما، بلکه هر نیروی چپ و دمکرات اگر دید درستی از چپ و دمکرات بودن خود داشته باشد، نمی تواند با مردم سوریه در مبارزه علیه بشار اسد همراه نباشد.

در برخورد با انقلاب مردم سوریه و در سطح بین‌المللی سه گرایش اساسی وجود دارد:

۱- آنهایی که با تمام چالش‌هایی که درون قیام سوریه وجود دارد و تا حدی توضیح داده شد، خود را کماکان در کنار بشار اسد قرار می‌دهند

۲- گرایشی که با سرهم بندی ژورنالیستی که در شان هیچ نیروی سیاسی نیست، دفاع از رژیم سوریه را با حضور اسرائیل و انتقاد از ترکیب نیروهای مخالف آن توجیه می‌کند. این گرایش همزمان فراموش کرده که در ارتفاعات جولان نه بشار اسد و نه پدرش هیچگاه تهدیدی جدی برای حضور اسرائیل نبوده‌اند. اینها تنها خواهان اصلاحاتی در رژیم هستند. در مقابل وحشیگریهای رژیم ولایت فقیه نیز به همین شکل سرهم بندیهای مرموزی وجود دارد. کفایت به واعظان و روضه خوانهایی که به مدح جناح به اصطلاح "اصلاح طلب" در رژیم جمهوری اسلامی می‌پردازند، توجه کنیم

۳- گرایشی که ما خود را بخشی از آن می‌دانیم، خواهان سرنگونی رژیم اسد در تمامیت اش است و در صحنه بین‌المللی بسیار ضعیف است. اغلب نیروهای چپ در جهان با گذشت زمان و طولانی شدن بحران سوریه، از گرایش دوم به گرایش اول کوچ کرده‌اند. اقدام روسیه به ورود در جنگ سوریه، در این امر نقش بسزایی داشته، بدون توجه به اینکه چالشها، تهدیدها و نگرانیها تا جایی مترقی هستند که از دیکتاتوری بشار اسد عبور کنند

همانطوری که در بیانیه سال گذشته شورای عالی سازمان در مورد داعش و سوریه اعلام کردیم، "نفی مبارزه ضد دیکتاتوری، با هر تحلیلی، در عمل قرار گرفتن در جبهه ی سرکوبگران مردم سوریه است."

این نیروها با وصف تحلیلهایی که در گذشته از "بهار عرب" دادند، به تفاوت دیکتاتوری نظامی در رژیم سوریه با رژیمهایی چون مصر و تونس توجه ندارند.

نظامیان و ارتش سوریه و لیبی رابطه تنگی با قبایل و در نهایت با خانواده دیکتاتورهای مذکور دارند و سیستم نظامی آنها بر این روابط استوار بوده است. بن علی، مبارک و حتی جمال عبدالناصر در سیستم نظامی بزرگ شده و پایه گذار ساختار آن نبوده‌اند. بر عکس، قذافی، اسد و تا حدی صدام حسین همه در تنگنای قیامهای مردمی و حملات نظامی خارجی ارتشهای خود را بر پایه ایدیولوژیک و آن هم البته سرهم بندی شده و با رنگ و لعاب اسلامی ترمیم کردند. کافی است به تغییر در پرچمهای ملی عراق و لیبی توجه شود.

رژیم اسد بعد از شروع تظاهرات مردم در ماه مارس ۲۰۱۱، به سرعت در حین سرکوب مردم سعی در مذهبی کردن و پوشاندن مطالبات دمکراتیک و اقتصادی مردم کرد. او به صورتی جنگ مردم با خود را به جنگ بین گرایشهای مذهبی و قومی تبدیل کرده و با سرکوب نظامی تظاهرات مسالمت آمیز، مردم را به سوی دفاع مسلحانه سوق داد. امروز در واقع شاهد نوعی جنگ داخلی هستیم؛ یعنی جنگی که بخشهایی از جامعه را در مقابل بخش دیگر قرار می‌دهد و لزوماً جنگ بین ادیان و یا قبایل نیست. مثالهایی تاریخی آن، جنگ داخلی اسپانیا علیه فاشیسم فرانسیسکو فرانکو، انقلاب فرانسه و حتی روسیه بعد از ۱۹۱۷ می‌باشد.

تاخیر در سقوط اسد بخشهای مذهبی و عقب افتاده جامعه سوریه را روز به روز قوی تر خواهد کرد و این خواست بخشی از نیروهای مداخله گر در بحران سوریه است. برعکس، اپوزیسیون دمکراتیک سوریه باید با موضع روشن و قاطع با تمام نیروهای ارتجاعی داخلی برخورد کند.

در اینجا، سریع و زمانبندی شده (کرونولوژیک) مروری بر رویدادها و چگونگی رشد برخی نیروها در سوریه می‌کنیم:

- اولین آثار حضور نیروهای بنیادگرا در اواخر آوریل ۲۰۱۱ در بطن تظاهرات مردم، به صورت پراکنده خود را نشان می‌دهد.

- در ژوئن ۲۰۱۱، بعد از بر زمین ماندن هزار کشته و دستگیری بیش از ده هزار نفر از مردم است که اعتراضات از تظاهرات مسالمت آمیز به تظاهرات مسلحانه تبدیل می‌شود. در این مرحله نظامیانی که از صفوف ارتش خارج می‌شوند، "ارتش آزاد سوریه" را تشکیل می‌دهند. همزمان، بمبارانهای شدید و ویرانی شهرها توسط نیروی هوایی اسد، راه را برای شقه شدن و انشعابات مختلف در نیروهای اپوزیسیون در حین نداشتن یک استراتژی واحد باز می‌کند.

- در ژانویه ۲۰۱۲ است که در امتداد پروسه سکتاریستی نیروهای مخالفت رژیم، گروههای مذهبی و انتگریست مسلح از قبیل "النصره" خود را نشان می دهند و برای اعلام موجودیت، عملیات تروریستی در مناطق مسکونی، یعنی علیه مردم را انتخاب می کنند.

علیه عملیات ضد مردمی این گروهها، رژیم اسد دست به تشکیل هسته های غیر نظامی تحت عنوان دفاع مردمی می زند که اینها هم دقیقا مردم معترض را نشانه می روند.

از طرفی نیز قدرتهای امپریالیستی که از "بهار عرب" و ناتوانی در کنترل آن وحشت کرده بودند، به این شرایط با دید مثبت نگاه کرده و خواهان سقوط اسد و ایجاد هرج و مرج، نه برای برقراری دموکراسی، بلکه برای جانسپین کردن مهره ای مطمئن که قدرت کنترل گذار از مطالبات مردم را داشته باشد و همچنین به منظور پیشگیری از رادیکالیزه شدن بیشتر شرایط در سوریه هستند.

همزمان در شمال، کردها "کمیته عالی کردستان" (C.S.C) را تشکیل می دهند و از ابتدا از متحدان ارتش آزاد هستند، هرچند که اطمینان کمی به این نیرو به خاطر روابط آن با ترکیه دارند. در مدت کوتاهی کمیته عالی کردستان با بازوی مسلح خود YPG، نیروهای اسد را از اکثر شهرهای کردنشین اخراج می کند.

در این شرایط رژیم هر روز ضعیف تر شده و پروسه فروپاشی و جنگ بین گروههای اپوزیسیون نیز ادامه پیدا می کند. همزمان، با کمکهای قطر و سعودیها، "النصره" قدرت نظامی و پرستیژ خاصی بین مخالفان اسد کسب می کند.

- در اواسط ۲۰۱۳، حزب الله لبنان که حضوری در سوریه نداشت، به درخواست اکید رژیم ایران و ترس از تاثیر گذاری قیام مردمی در لبنان، علیه ارتش آزاد وارد عمل می شود.

ارتش آزاد با از دست دادن جایگاهی که در اوایل قیام در بین مردم کسب کرده بود و با ورود داعش به صحنه، نقش نیروی اصلی در قیام را از دست می دهد.

- در اواخر ۲۰۱۳، در حومه دمشق شاهد استفاده از گاز علیه مردم هستیم. بعد از این جنایت است که ارتش آزاد مستقیما خواهان دخالت نظامی آمریکا می شود و این خود به ایزوله شدن آنها در میان مردم کمک کرده و جنگ را به یک جنگ همه علیه همه تبدیل می کند.

- در این میان کنفرانس ژنو ۲۰۱۴ هم غیر از آتش بس کوتاهی در شهر "حمص" نتیجه دیگری ندارد.

- خرابیها و جنگ با وصف تنفر مردم از رژیم اسد، به صورتی به آن کمک کرده و همزمان داعش در شمال غربی سوریه هر چه بیشتر نیروهای لاییک و دیگر نیروهای اسلامی و کرد حاضر در صحنه را ایزوله و سرکوب می کند. محاصره شهرهای کرد را همه به خاطر داریم. تنها در اواخر ۲۰۱۴ و اوایل ۲۰۱۵، شاهد حماسه کوبانی هستیم. در اینجا ارتش آزاد بار دیگر نقش موثری بازی می کند و اتحاد با کردها و همکاری با نیروهای دفاع زنان کرد باعث محبوبیت جدید آن بین مردم می شود.

همزمان، نیروهای شیعه حزب الله، رژیم ایران و ارتش اسد بیش از پیش کنترل را از دست داده و در این مقطع است که روسیه وارد عمل شده و بعد از حضور دیپلماتیک در بحران سوریه در کمترین زمان، حضور خود را به اشغال نظامی سوریه ارتقاء می دهد.

در لحظات اول بسیار روشن است که دلیل حضور روسیه، جنگ علیه تروریسم نیست. روسیه با همکاری حزب الله و رژیم ایران قبل از پرداختن به داعش، نیروهای اپوزیسیون را بمباران می کند. در مقابل، "کمیته های هماهنگی مردمی" که در آغاز قیام تشکیل شده و در این دو سال با حضور داعش و شرایط بد اپوزیسیون ایزوله شده بودند، علیه بمبارانهای روسیه در شهرهای مختلف تظاهرات می کنند. این در حالی است که تمام دولتهای غربی و حتی اسرائیل از حضور اشغالگرانه روسیه حمایت می کنند.

آمریکا نیز با زبان بسته با دادن اجازه پرواز به موشکهای روسیه در حریم هوایی عراق از این عملیات پشتیبانی می کند، تا جایی که اوباما در اواخر سپتامبر در نشست مجمع عمومی سازمان ملل به روشنی می گوید: "خواهان راه حلی برای سوریه با همکاری ایران و روسیه می باشیم."

ارقام کشتار مردم به دست ارتش اسد وحشتناک است: دویست و هشتاد هزار کشته. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، پناهندگان سوری را به بیش از چهار میلیون و پانصد هزار نفر تخمین می زند. به اینها باید هفت میلیون و هشتصد هزار نفر را نیز که برای فرار از مرگ، ترک خانه و شهرهای شان را کرده و در داخل سوریه جابجا می شوند، باید اضافه کرد.



جمعیتی حدود هیجده میلیون نفر، یعنی از هر سه شهروند سوری دو نفر، مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند. یعنی کشوری از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و انسانی به نابودی کشیده شده. باعث این مهاجرت و آوارگی مردم فقط داعش نیست، در اصل اینها نتیجه بمباران شهرها توسط نیروی هوایی اسد و روسیه و حملات پاسداران جمهوری اسلامی به شهرهاست.

در سوریه نیز همچون ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه، سه جریان اجتماعی مداخله گر هستند. از طرفی حاکمیت این کشورها استبدادی است و از طرف دیگر نیروهای ارتجاعی و افراطی مذهبی پایگاه اجتماعی دارند. همزمان، به دلیل دیکتاتوری بودن این سیستمها، نیروهای چپ، لاییک و دمکرات همیشه به صورت وحشیانه مورد هجوم بوده و هستند. این سه جریان را به این صورت خلاصه می کنیم:

- ۱- نیروهای وابسته و یا طرفدار نظام جهانی سرمایه
- ۲- نیروهای بنیادگرا که خواهان ادغام دین و دولت هستند و به طور نسبی در مبارزات ضد دیکتاتوری حضور دارند
- ۳- نیروهای دمکرات، لاییک و چپ

در پروسه مبارزه علیه دیکتاتوری، این سه جریان در مقاطعی، با وجود تضادهای موجود، با هم همسو می شوند. احزاب سازمانها و گروههایی که کلید تحلیل شان توانایی باز کردن قفل واقعیتها در سوریه را ندارد، همه این حرکتها و مبارزات را نتیجه نفوذ امپریالیستی در جامعه می دانند. به صورتی نظرات تئوریسینهای امپریالیزم که به مبارزات مردم لقبهایی چون "خشونت" و "هرج و مرج" می دهند، با تحلیلهای به اصطلاح "چپ" که مبارزات را نتیجه نفوذ امپریالیزم می دانند، همسو است. به دلیل اینکه در بطن خود هر دوی آنها، مردم را به بی حرکتی دعوت می کنند.

اینجاست که باز هم باید تاکید کرد که: عبور از شرایط دیکتاتوری مرحله ای از مسیر مبارزه برای آزادی و دموکراسی است. اکثریت نیروها متاسفانه تحلیلی از شرایط اقتصادی اجتماعی سوریه نداده و آنرا فقط از دیدگاه ژئوپولیتیک تحلیل می کنند و اینگونه است که نه تنها به دفاع از بشار اسد، بلکه به دام دفاع بی چون و چرا از روسیه و رژیم ایران نیز افتاده و همزمان مردم سوریه را آلت دست شیخهای نفتی خلیج فارس و اروپا و آمریکا می دانند. این واقعا شاهکار حماقت سیاسی این سازمانها و گروهها است. اینها بدون در نظر گرفتن نرخ سرسام آور بیکاری جوانان، خصوصی سازیها، بحران اقتصادی که در واقع مخرج مشترک "بهار عرب" نیز می باشد، به نتیجه ای که در بالا گفتیم رسیده اند.

اما ما در یک کلام می گوئیم: انتخاب بین روسیه - رژیم ایران و آمریکا - اعراب نیست؛ انتخاب بین همه اینها و مردم سوریه است.

پس اگر ما از دریچه دیدگاهی که من اسم آنرا ژئوپولیتیک گذاشتم نه فقط به سوریه، بلکه به هر انقلابی در طول تاریخ بنگریم، آینده روشنی را ندیده و این به طبع نتیجه ای جز یاس و ناامیدی ندارد. دلیل مردود بودن حرکت از این دیدگاه، در تحلیل شرایط سوریه و هر قیام دیگری، نادیده گرفتن نقش و حضور مردم در معادلات سیاسی و صحنه انقلابات است. مردم هستند که با مطالبات و نیازهای طبقاتی خود مدام صحنه را به سود خود تغییر می دهند.

ما هم به عنوان اپوزیسیون رژیم ولایت فقیه، گذشته از دفاع از حقوق مردم سوریه، می دانیم که کوتاه شدن دست رژیم - که در حال حاضر در دو بعد مختلف در عراق و سوریه حضور دارد و به قول معروف روی دو میز بازی می کند - کمک بزرگی برای به هدف رسیدن خواست آزادی و دموکراسی مردم ایران نیز هست.

رژیم ایران که از ابتدا ادامه حیات خود را یا در جنگ یا در بحران خارجی دیده، برکناری و سقوط بشار اسد را ضربه هولناکی برای خود می داند.

بعد از برجام و جنگ وقفه ناپذیری که این روزها باندهای رژیم با آن در گیر هستند، برای ولایت فقیه در مقابله با باندهای رقیب و از طرفی برای جبران و پوشاندن عواقب زهر بر جام و انگیزه دادن به نیروهای خودی یعنی مافیای سپاه پاسداران، حضور در سوریه با گذشت زمان هر روز حیاتی تر می شود.

بی دلیل نیست که ولایتی، مشاور بین المللی خامنه ای، سوریه را "حلقه طلایی مقاومت" دانسته و حمله به سوریه را "حمله به ایران و متحدانش" می داند، این نشان عمق استراتژیک سوریه برای رژیم جمهوری اسلامی است.

ریاض نعسان سخنگوی هیات اپوزیسیون سوری، در حاشیه کنفرانس ژنو در مورد قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت گفت: "ما خواهان آزادی زندانیان، توقف بمبارانها و پایان محاصره شهرها و آغاز کمکهای انسانی به مردم هستیم."

و ما اضافه می کنیم، برکناری اسد و خروج نیروهای خارجی، به ویژه نیروهای پاسداران و جمهوری اسلامی شرط اساسی تحقق اولین قدمها برای یک صلح پایدار و عادلانه در سوریه است.

در پایان به آنهایی که از پوتین و اشغال نظامی سوریه دفاع می کنند یادآوری می کنم که دفاع از پوتین، دفاع از یک الیگارشی مافیایی، دست راستی و فاشیستی است. کافی است نگاهی به احزاب و سازمانهایی که بهار سال گذشته در "فوروم ملی روسیه" شرکت کردند بیاندازیم:

Golden Dawn نو - نازی، از یونان

White Power، از آمریکا

Forza Nuova، از ایتالیا

Democracia Nacional، از اسپانیا

Front National Marine Le Pen، از فرانسه

Jobbik و هواداران نخست وزیر دست راستی ویکتور اوربان، از مجارستان

Pegida، از آلمان

متشکر

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



چهل و پنج سال پیش در شامگاه روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، با یک اقدام جسورانه، تاریخ جنبش آزادیبخش مردم ایران ورق خورد و دوران جدیدی در مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران علیه دیکتاتوری و امپریالیسم آغاز شد. در آن شامگاه سرد و بورانی در کوهپایه های دیلمان، یک دسته پارتیزانی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل در منطقه لاهیجان حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند.

رزمندگان دلیر گروه جنگل طی یک سلسله درگیریها که تا روز شنبه اول اسفند ادامه یافت، چونان موجی سهمگین بر «جزیره آرامش»

شاه توفیدند و بر آن نقطه پایان گذاشتند و دیری نپایید که پیام حماسه سیاهکل بروز عینی پیدا کرد.

عمل انقلابی گروه جنگل در فضای اختناق و سرکوبی رژیم شاه چنان آتشی برافروخت که گرمای آن اندک اندک بر انجماد و سستی جامعه نفوذ کرد و «قدرت مطلق» به وسیله یک گروه کوچک ضربه جدی خورد و «ضعف مطلق» توده ها بتدریج به نیروی تغییر و به ذخیره خیزش توده ای تبدیل شد.

در آغاز، آگاه ترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می تپید، به چریکهای فدایی خلق

پیوستند و با آگاهی به راه سختی که در آن قدم گذاشته بودند، با تمام جان و هستی خود راه انقلاب را هموار کردند و هشت سال بعد در بهمن ۱۳۵۷ میلیونها زن و مرد ایرانی در یکی از بی سابقه ترین انقلابهای دوران معاصر، دیکتاتوری شاه و نظام دوهزار و پانصد ساله سلطنتی را سرنگون کردند.

رژیم شاه در واکنش به عملیات سیاهکل، به سرکوبی گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی طی عملیات پس از



۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، محمدهادی فاضلی، اسماعیل معینی عراقی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی و فرمایشی محاکمه و در سحرگاه روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخه های اعدام سپرده شدند.

ساواک شاه فکر می کرد با این کشتار دَم‌منشانه خواهد توانست آرامش گورستانی جامعه را حفظ کند. اما این پندار واهی خیلی زود نقش بر آب شد و جنبش با گامهای اُستوار و البته با هزینه های سنگین به راه خود ادامه داد و چنین بود که

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روزهای انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ از نظر اجتماعی به نیروی دوم پس از نیروهای خمینی تبدیل شد. در سراسر ایران، در کارخانه و محلات، در دانشگاهها و مدارس، در محلات و روستاها و در جامعه، روشنفکران و هنرمندان زنان و مردان بسیاری به پشتیبانی از جنبش فدایی برخاستند.

اسدالله علم در خاطراتش به نقل از محمدرضا شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلا باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

حماسه سیاهکل همچنین موجب برانگیختن کینه و نفرت روح الله خمینی که از موضع ارتجاعی با رفرمهای شاه مخالفت می کرد و پس از شورش ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ به گوشه ای خزیده بود، گردید. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازپها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید. نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل...»

موضع خمینی آن قدر ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پاییز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

ما بارها گفته ایم و بازهم تکرار می کنیم که جنبش پیشتاز فدایی با عملیات سیاهکل و فعالیتهای جسورانه پس از آن، نقاب از چهره شریعت پردازان سترون برگرفت و همه ی کسانی که به بهانه های تئوریک و ایدیولوژیک بی عملی خود را توجیه می کردند را افشا نمود. بیهوده نیست که اکنون هم با گذشت ۴۵ سال از آن رویداد تاریخی و با وجود کشتارهای هولناک و پیگردهای بربرمنشانه، رژیم ولایت فقیه که مایه ننگ بشریت است، مدافعان جهل و ستم و نظریه سازان حاکمیت استبدادی مذهبی می کوشند تا با تکرار اتهاماتی همچون فداییان «تروریست و خشونت گرا»، به مقابله با رویداد تاریخی سیاهکل بشتابند. اگر جوهر و مضمون آزادیخواهانه و عدالت طلبانه جنبش پیشتاز فدایی قادر به بازتولید خود نیست، دلیل این همه تئوری بافی برای مخدوش کردن واقعیتهای این جنبش از طرف نظریه پردازان کج اندیش و بی خرد نظامهای شاه و شیخ چیست؟

واقعیت این است که درونمایه و گوهر جنبشی که از سیاهکل آغاز شد، دفاع از خواسته های برحق مردم ایران برای آزادی، استقلال و عدالت و پیکار در راه آن بود و تا هنگامی که مردم ایران به این خواسته ها دست نیافته باشند، این جنبش همچنان زنده خواهد ماند و با وجود هر شکست، کم کاری و یا انحراف ادامه دهندگان آن، راه پر فراز و نشیب کسب آزادی مردم ایران را طی خواهد کرد. روزی که بنیانگذاران جنبش پیشتاز فدایی کمر به ستاندن آزادی و عدالت بستند، می دانستند که گام در راهی سخت و طولانی گذاشته اند. اما آنان این راه را با پیکارهای خونین و با قبول هزینه های آن کوتاه کردند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در آغاز چهل و ششمین سال حیات خود یاد همه ی زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که طی چهل و پنج سال گذشته در پای چوبه های دار و اعدام و در رزمهای خیابانی و منطقه ای با ستمگران، در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

ما به تمامی زنان و مردان میهنمان که برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستیم و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران جان باختند را گرامی می داریم.

در سالی که در حال پشت سر گذاشتن آن هستیم، تضاد بین مردم ایران و استبداد دینی حاکم بازهم تشدید شد. بنا به آمار دولتی، در یازده ماه گذشته حدود دو هزار حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار (کارگران، مزدبگیران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، دهقانان، گروههای اجتماعی) صورت گرفته که نسبت به سال قبل افزایش قابل توجهی را نشان می دهد.

همچنین تضاد و کشاکش در درون هر قدرت و ثروت، به ویژه در جریان نوشیدن جام زهر هسته ای از جانب ولی فقیه، به گونه بی سابقه ای تشدید شد.

استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما به جای تامین اولیه ترین نیازهای مردم، میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی و آشوبگری در خاورمیانه کرد. اما سرانجام خامنه ای در پی بحرانهای عمیق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بین المللی، تحریمهای گسترده، افشاگریهای مقاومت ایران و تنفر و انزجار مردم از پروژه هسته ای که با شعار «زندگی انسانی حق مسلم ماست» بارها از جانب نیروهای اجتماعی ایران بیان شد، مجبور به یک عقب نشینی اجباری دیگر شد و با وجود خط سرخهایی که هر روز ترسیم می کرد، در روز سه شنبه ۲۳ تیر سال جاری بر متن نهایی «توافق جامع» مهر تایید زد و شش ماه بعد در روز یکشنبه ۲۷ دی، آخرین میخ را بر تابوت «حق مسلم» کوبید تا به شکل تدریجی تحریمهای فلج کننده بین المللی علیه پروژه ماجراجویی هسته ای لغو شود. به دستور خامنه ای و با شتاب زیاد، قلب تاسیسات میلیاردری آب سنگین اراک با بتون پُر شد و ۱۱ تَن اورانیومی که در طول سالهای بُحران با هزینه کلان سیاسی و مادی غنی شده بود، با کشتی به روسیه فرستاده شد و سر آخر، نزدیک به ۱۳ هزار سانتریفیوژ، این نماد «حق مسلم» اسقاط شد.

ما با استقبال از این عقب نشینی اجباری، خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات دیگر رژیم ایران در زمینه هسته ای هستیم. امروز دیگر همگان می دانند که ادعای مستقل شدن در انرژی و دستیابی به تکنولوژی هسته ای بهانه ای برای دستیابی به سلاح اتمی است. تمامی این پروژه علیه منافع مردم ایران بوده و خامنه ای تا پیش از وادار شدن به عقب نشینی، مردم و کشور را به سوی یک فاجعه همه جانبه می راند.

اینک با آشکار شدن نقش تحریمها در عقب نشینی ولی فقیه، صحت مواضع ما پیرامون دفاع از تحریم بانکی، نفتی و تسلیحاتی رژیم به اثبات می رسد. ما برخلاف یاوه گوییهای که با سپر کردن مردم، علیه تحریمها جار و جنجال می کردند، بدون آن که منکر آسیب دیدن مردم از تحریمها شویم، اعلام می کردیم که منافع قطع شریانهای حیاتی رژیم و جلوگیری از ریختن ثروت ملی به تنور هسته ای، بیش از همه نصیب مردم خواهد شد. ما برخلاف تبلیغات ساده لوحهای سیاسی و پادوها و کارچاق کنهای اقتصادی، توضیح می دادیم که مردم ایران سهمی از دلارهای نفتی ندارند، همچنان که واقعیت نشان داد در اوج درآمدهای سرشار نفتی طی دوران احمدی نژاد، زندگی مردم فاجعه بارتر شد.

خامنه ای خوش باورانه تلاش می کند با دخالتهای ماجراجویانه در کشورهای خاورمیانه و با مانورهای تحریک کننده موشکی، بخشی از هزینه عقب نشینی را بر دوش مردم محروم بگذارد و بدین ترتیب در شرایط بحرانی «پسا جام زهر»، اتوریته خود را بازسازی کرده و امنیت ولایت اش را تضمین کند. او می خواهد بخش دیگری از هزینه جام زهر را با فشار و سرکوبی مردم و با محدود کردن میدان مانور رقیبهای خودی تامین کند. افزایش اعدامهای بربرمنشانه و قلع و قمع کاندیداهای باند رقیب، از تاکتیکهای کاربردی ولی فقیه است. او یک انتخابات فرمایشی و مجلسین گوش به فرمان می خواهد و برای مردم در این شعبده بازی فقط نقش هیزم برای گرم کردن تنور نمایش و آنهم فقط برای خوراک رسانی به مماشاتگران قایل شده است. بنابراین آنچه در روز ۷ اسفند سال جاری به صحنه آورده می شود نه آزاد است و نه منصفانه و رقابتی.

بدین لحاظ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نمایش انتخابات روز ۷ اسفند ۱۳۹۴ را تحریم می کند و همگان را به اعتراض علیه پامالی آشکار حقوق خویش و برنتابیدن این نمایش وهن انگیز فرامی خواند.

استبداد مذهبی حاکم بر ایران مانع عمده در راه بهبود زندگی شما و تحقق توسعه پایدار است. برای برداشتن این مانع باید نظام ولایت فقیه را سرنگون کرد. سرنگونی نظام جهل و جنایت حاکم بر ایران وظیفه مردم ایران و نیروهای مقاومت سازمانیافته است. اتحاد ما در شورای ملی مقاومت ایران در جهت تحقق همین هدف است.

ما استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می دانیم و همه ایرانیان ترقیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۸ بهمن ۱۳۹۴

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

مُسلمان کُشی، عمق راهبردی و مرز امنیت خامنه ای

مهدی سامع

پیش از مُداخله نظامی رژیم ایران در سوریه، اهداف ضدانسانی خامنه ای برای بسیاری از مردم خاورمیانه روشن نبود. حمایت همه جانبه خامنه ای از حزب الله لبنان به بهانه دفاع از مقاومت علیه تجاوز اسرائیل و در چارچوب جدال فلسطین _ اسرائیل توصیف می شد و بنابراین عمق اهداف خامنه ای در پیشبرد این سیاست ارتجاعی پنهان می ماند. خامنه ای و سرسپردگان ریز و درشت او بارها به این که مرز امنیت و عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی لبنان و سواحل مدیترانه است، اذعان می کردند و البته این سیاست را در چارچوب مبارزه «ضد استکباری» تعریف می کردند.

ده سال پیش که ولی فقیه در یک انتخابات فرمایشی و مهندسی شده محمود احمدی نژاد را به کرسی ریاست جمهوری نشانده و درصدد بود تا از تجاوز دولت بوش به عراق فرصت سازی کرده و برای ولایت اش ریل گذاری جدیدی ایجاد کند، خامنه ای در دیدار دانشجویان بسیجی گفت: «خیمه ای که این جا سرپاست، ریسمانها و میخهای عمیقی که این خیمه [بخوانید بیت ولی فقیه] در سرزمین اسلامی دارد، در کشورهای دیگر کوبیده شده است. ما در ملت‌های گوناگون عمق استراتژیک داریم.» (سایت خامنه ای، ۲۴ مهر ۱۳۸۴)

خامنه ای مشخصات میخها و ریسمانهایی که به خیمه ولایت متصل است را به زبان نیاورده است. اما امروز همگان می دانند که گروه‌های تروریستی گوناگونی را سپاه تروریستی قدس در کشورهای مختلف سازماندهی کرده که تحت امر خامنه ای هستند.

روز یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۷، خامنه ای در دیدار با بسیجیان دانشگاه علم و صنعت گفت: «ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی اند... آنها عمق راهبردی و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی محسوب می شوند. تکیه گاه یک ملت به عمق استراتژیک اوست... دشمن این را نمی خواهد؛ دشمن نمی خواهد این ارتباط برقرار باشد. جمهوری اسلامی باید این را یکی از وظایف خودش بداند. این جزو آن شاخصهای اصلی است.» این سخنان را خامنه ای در شرایطی بیان کرد که جامعه ایران در استانه یک انفجار بزرگ قرار داشت. شش ماه پس از این سخنان قیام‌های سال ۱۳۸۸ شروع شد و مضمون یکی از شعارهای آن قیامها رد مداخله گری در غزه و لبنان بود.

با شروع بهار عرب خامنه ای که از اشغال عراق سوده‌های کلان به جیب زده بود در صدد برآمد تا با شعار «بیداری اسلامی» بهار عرب را هم مصادره کند. اما شروع جنبش آزادیخواهی مردم سوریه که حدود ۱۸ ماه به شکل مسالمت آمیز ادامه

داشت وضعیت جدیدی به وجود آورد. کشتار مردم سوریه به وسیله مزدوران بشار اسد و حمایت ولایت خامنه ای از دیکتاتوری اسد، سیاست ضد مردمی ولی فقیه را از لابلای سخنان فریبنده به صحنه یک جنگ خونین تغییر مکان داد. دفاع از امنیت ولایت مستلزم شرکت مستقیم در سرکوب مردم سوریه شد. این سیاست که در مورد عراق از طریق نوری المالکی اجرا می شد، در سوریه راهی جز مداخله مستقیم برای خامنه ای باقی نمی گذاشت.

روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۳، خامنه ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان گفت: «ظرفیتهای ما و تواناییهای ما، فقط آن چیزهایی نیست که ما در داخل داریم. ما در بیرون کشور هم ظرفیتهای مهمی داریم، طرفدارانی داریم، عمق راهبردی داریم در منطقه، بعضی به خاطر اسلام، بعضی به خاطر زبان، بعضی به خاطر مذهب شیعه، اینها عمق راهبردی کشور هستند، اینها جزو تواناییهای ما هستند، از همه ی این تواناییها باید استفاده کنیم.» (سایت خامنه ای)

هدف خامنه ای از سازماندهی «طرفداران» اش و استفاده از «این تواناییها» در عمق راهبردی نظام را بارها سرسپردگان و عمله و آکره او با زبان رسا اعلام می کردند. آن سخنانی که سوریه را یکی از استانهای ایران اعلام کرد و با تاکید گفت که سوریه برای نظام از خوزستان مهم تر است، بیهوده بیان نشد. بر همین روال بسیاری از سرکردگان سپاه و نمایندگان ولی فقیه در سپاه و بسیج در مورد اهمیت مداخله در سوریه و لبنان و یمن گفتند و نوشتند.

مُلا علی سعیدی، نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران، در روز پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۳ گفت: «عمق استراتژیک ما عراق، سوریه، بحرین و آمریکای لاتین است و رسالت و مسئولیت ما حفظ عمق استراتژیکی است و حق نداریم یک نقطه از این عمق را از دست دهیم تا امنیت ایران دچار خدشه نشود.»

کشته شدن تعداد کثیری از مهمترین سرکردگان سپاه پاسداران در سوریه و رخنه نارضایتی در نیروهای سپاه و خانواده های آنان، خامنه ای را مجبور کرد تا با صراحت دلیل پافشاری بر حفظ عمق استراتژیک را به طور شفاف بیان کند. وی در دیدار با خانواده های پاسداران کشته شده در سوریه و عراق گفت: «اگر مدافعان حرم [بخوانید مدافعان بشار اسد] مبارزه نمی کردند باید در کرمانشاه و همدان می جنگیدیم... اینها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند این دشمن می آمد داخل کشور... اگر جلوی او گرفته نمی شد ما باید این جا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم و جلوی اینها را می گرفتیم.» (سایت خامنه ای، جمعه ۱۶ بهمن ۱۳۹۴)

روی سخن خامنه ای با خانواده های کشته شدگان سپاه پاسداران نیست. او می خواهد به مزدوران اش در سراسر جهان این پیام را برساند که برخورداری از مواهب ولی فقیه مستلزم حفظ عمق استراتژیک ولایت او است و گرنه همگان می دانند که کلمه «حَرَم» در این سخنان اسم رمز دیکتاتوری بشار اسد است و جنگیدن در حَلَب هیچ ربطی به دفاع از حَرَم ندارد. نظام ولایت فقیه بر دو پایه سرکوب در داخل و صدور ترور و بنیادگرایی به خارج می تواند به حیات خود ادامه دهد. مهار هر یک از این دو پایه تخت سلطنت ولی فقیه کله پا می کند. عمق استراتژیک رژیم همان مرز امنیت ولایت خامنه ای است و برای حفظ این ولایت ننگین است که مزدوران خامنه ای اقدام به کشتار مردم در سوریه، عراق و یمن که اکثر آنان از مُسلمانان این کشورها هستند می کنند. این کشتارهای بی امان و وحشیانه فقط برای حفظ ولایت خامنه ای است و برای مردم ایران خُسرانهای بسیار در حال و آینده خواهد داشت.



بازیگران نمایش انتخابات بیش از اینها تحقیر خواهند شد

منصور امان

جناح میانه حکومت و زائده "اصلاح طلب" آن با تمام توان برای حفظ سهمیه خود از قدرت که در نتیجه "نرمش قهرمانانه" باند رقیب به دست آورده اند، تلاش می کنند. آنها به امید افزایش وزن در پروسه عقب نشینی در برابر طرفهای غربی، خواهان استمرار وضعیت موجود به هر قیمت و نگهداری توازن شکل گرفته در قدرت سیاسی پس از "جام زهر" هستند.

باند مزبور از آنجا که خود از هر گونه برنامه عمل و ابتکار مستقل برای دست یافتن به این هدف بی بهره است، چاره ای جز بازی در میدان حریف و براساس قواعد آن ندارد؛ تاکتیکی که هدف باند حاکم مبنی بر کنترل و نگه داشتن مهار رقیب را ساده کرده و هزینه سیاسی "جام زهر" زیر "خیمه نظام" را برای آن پایین نگه می دارد.

محک انتظارات جامعه

پیش شرطهای مزبور، صحنه ای را در شکل نمایش انتخابات مجلسهای خبرگان و شورای اسلامی در برابر چشم جامعه به تنگ آمده ایران به تماشا درآورده که در آن بن بست و ورشکستگی مدعیان "اصلاحات" و "رُفرم" در چارچوب نظام ولایت فقیهیی بیش از همیشه نمایان گردیده است.

آنچه که به گونه ناگواری برای این دسته، به ناتوانی آنها در ایجاد هر تغییری - حتی جزئی - در مناسبات موجود صراحت بخشیده، شکست استراتژیک "نظام" در دستیابی به جنگ افزار هسته ای و عقب نشینی مفتضحانه آن در برابر طرفهای خارجی اش است.

تحول مزبور همچون دریاچه ای برای شکل گرفتن و ابراز مطالبات جامعه در پهنه اقتصادی، سیاسی و حقوق فردی و شهروندی عمل می کند که پس از این تحول، روزنه ای برای طرح و ابراز یافته است.

مردم به حق انتظار بهبود شرایط زیست و کار خود را پس از پایان ماجراجویی خسارت بار حکومت می کشند. آنها که به بهانه تحریم، زیر شدیدترین ریاضتهای تحمیل شده از سوی حاکمان کشور کمر خم کرده اند و هزینه کلان رویاهای بلاهت بار آنان از جیب و سفره شان رُبوده شده، امید به تغییر این روند با از میان رفتن زمینه های آن را دارند.

زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، نیروهای مدنی و گرایشهای سیاسی از شرایط "پساتحریم" و در حالی که "نظام" با دو پهنای لبخند و بغل در حال دلبری از "دشمنان" دیروز خویش است، انتظار کاسته شدن فشارهای گوناگون حکومتی و عقب نشینی نیروهای نظامی - امنیتی از صحنه عمومی را می کشند.

این مطالبات چونان خطی روشن از بین همه طبقات، اقشار، گروههای اجتماعی و دسته بندیها می گذرد و صف بندی صریح و تحریف ناپذیری را در این و آن سوی خود شکل داده است.

انبوه کارگرانی که به گونه روزانه علیه اخراج، نپرداختن دستمزد، نداشتن امنیت شغلی، پرداخت نشدن حق بیمه و جز آن دست به اعتراض می زنند، دانشجویان معترض به فشارهای امنیتی و کمبودهای صنفی، پرستاران و معلمانی که برای دستمزد عادلانه و شرایط بهتر کاری به مبارزه برخاسته اند، زنانی که در برابر استادیوم، در خیابانها و بر صحنه های هنری و اجتماعی قامت افراشته اند، شکل گیری این صف بندی و تغییر آغاز شده ناشی از آن در مناسبات "بالا" و "پایین" را بازتاب می دهند.

از این رو، "اعتدال"، "اصلاحات" و هر طرح سیاسی دیگری که امکان بهبود شرایط موجود و برآوردن مطالبات جامعه در چارچوب "نظام" و براساس ساز و کارهای حاضر را وعده می دهد، با خواسته های مشخصی که جامعه به گونه روزانه و در اشکال گوناگون بیان می دارد روبرو است و راستی یا ناراستی آن بی واسطه با این محک سنجیده می شود.

وعده ها و واقعیت

دولت جناح میانه حکومت نه تنها به هیچیک از این مطالبات پاسخ نداده، بلکه حتی از عمل به وعده های انتخاباتی خود نیز گریزان بوده است. تهاجم به سطح کار و زندگی توده ها همچنان ادامه یافته و به جای "گشایش در فضای امنیتی"، پیگرد و آزار کوشندگان مدنی و صنفی، روزنامه نگاران، هنرمندان، زنان و جوانان شدت یافته است.

جناح مزبور انتقادات نسبت به ثابت ماندن شرایط اجتماعی با وجود "عقب نشینی قهرمانانه" و دست به دست شدن قوه مجریه را همواره با در اولویت قرار داشتن حل بحران هسته ای توجیه کرده است. بی پایه بودن این استدلال را تشریفات برگزاری نمایش انتخابات دو مجلس شورای اسلامی و خبرگان به خوبی نشان می دهد.

جناح میانه حکومت در نخستین آزمون جدی خود در این پهنه بعد از سر کشیدن "جام زهر" توسط "نظام"، به سختی شکست خورده و در نقش چوب زیر بغل باند حاکم برای تحکیم روابط موجود پدیدار شده است. به این ترتیب که در همان حال که وارد سازشی با باند حاکم بر سر ترکیب مجلس شورای اسلامی گردیده، همزمان در برابر فشار حریف برای حفظ تسلط خود بر مجلس خبرگان نیز سر فرود آورده است.

چگونگی تقسیم کرسیهای مجلس شورای اسلامی، نقش مهمی در پیشرفت روند پسابرجام و مناسبات تجاری با غرب ایفا می کند. این عاملی است که دو جناح اصلی حکومت را که منافع مشترکی در بازگشت "نظام" به بازار جهانی و نقد کردن ما به ازای "نرمش قهرمانانه" در شکل فروش نفت و واردات دارند، در کنار یکدیگر می نشاند.

وجود یک نهاد قانونگذاری که با روند سیاسی عقب نشینی هسته ای مشکلی نداشته باشد و آماده بهره برداری از منافع اقتصادی آن باشد، یک علامت روشن برای اطمینان دادن به طرفهای بازرگانی "نظام" انگاشته می شود. همزمان، چنین نهاد ائتلافی، بیانگر وجود تفاهم در راس دستگاه قدرت در جهت پیشبرد این پروسه و ایفای نقش جناح میانه که طرف گفتگوی غرب به حساب می آید، می باشد.

ترکیب چند دست مجلس مَلاها با مشارکت لمس پذیر جناح میانه همچنین می تواند به طرفهای خارجی تضمین سیاسی لازم مبنی بر اینکه حاکمان ایران تصمیمی برای ساخت بمب اتمی یا حرکت در مسیر آن را ندارند، ارایه دهد.

با تکیه به این دو منفعت اقتصادی و سیاسی مشترک است که آقای خامنه ای اشتهای جناح میانه حکومت برای داشتن سهمیه بیشتر در مجلس شورای اسلامی را مدیریت می کند. او در واکنش به شانتاژ رُقبا علیه غربال نامزدهای شان، به نوبه خود به باجگیری از آنها پرداخته و به دُرستی گوشزد می کند: "کسانی که در تخریب شورای نگهبان با دشمن همزبانی می کنند، مُلتفت نیستند... زیر سووال بردن شورای نگهبان، القای غیرقانونی بودن انتخابات است. هنگامی که غیرقانونی بودن انتخابات القا شود، بنابراین مجلس برآمده از این انتخابات و مُصوبات آن غیرقانونی خواهد بود."

این استدلال می تواند به خوبی جناح میانه حکومت را که از سازش با رقیبان اش به پیش راندن پروسه پسابرجام و بازسازی موقعیت طبقاتی خود در هیرارشی تقسیم ثروت را انتظار می کشد، قانع کند. چه، مجلس آتی ابزار مهمی در دست صاحبان قدرت برای توزیع منابع مالی آزاد شده و تعیین محل خرج آن پس از تحریمها و تقسیم منافع معامله هایی است که اینک سر گرفتن آنها میسر شده است.

در این فرآیند، توسعه سیاسی به معنای "گشایش فضا" برای "پایین" به منظور افزایش توان چانه زنی در "بالا"، فقط می تواند نقشی مُزاحم داشته باشد؛ بیش از همه به این دلیل که نه جناح میانه و نه زائده های "اصلاح طلب" آن توانایی مدیریت نیروی اجتماعی را که این تاکتیک آزاد می کند ندارند و قادر به پیش بینی پیامدها و نتایج سیاسی و اجتماعی متغیری که وارد میدان خواهد شد نیستند.

دوران انتقال ادامه دوران گذشته

شکست استراتژیک در ماجراجویی هسته ای که در ادبیات رژیم مَلاها از آن به عنوان "پروژه مورد اجماع" یاد می شود، فقط شکست باند حاکم نیست؛ نه فقط از آن رو که آقای رفسنجانی با "بمب اتمی اسلامی" اسرائیل را تهدید می کرد یا حُجت الاسلامها روحانی و خاتمی برای ادامه پروژه، پوشش دیپلماتیک تهیه می کردند. پیش از همه به این دلیل که پروژه

جنگ افزار هسته ای و بحران ناشی از آن فاکتوری برای تضمین امنیتی (بقا) و ثبات حکومت به شمار می رفت. این فاکتور اکنون وجود ندارد، بدون آنکه "نظام" به راستی توانسته باشد لنگرگاه دیگری را جایگزین آن کند.

از این زاویه، سیستم حاکم در یک دوره شکننده انتقالی به سر می برد و با آثار زُداينده "جام زهر" دسته و پنجه نرم می کند. "نظام" در جستجو برای یافتن گزینه بین ماجراجویی منطقه ای + تروریسم دولتی، ادغام در نظم بین المللی یا ترکیبی از هر دوی آنها سرگردان است و در مجموع در حالت عقب نشینی بسر می برد. جایگاه کلیدی مَهره هسته ای در ستون فقرات رژیم ولایت فقیه را از بهم ریختگی آن پس از واگذاشتن اش به طرفهای خارجی می شد دریافت.

در حالی که باندهای اصلی در ساختار قدرت پیرامون ضرورت خلاص کردن گریبان "نظام" از فشارهای خارجی وحدت نظر داشتند، همزمان نتیجه عملی آن یعنی عقب نشینی، با آشفتگی و بدون هر گونه سازمانیافتگی صورت گرفت. آقایان خامنه ای و روحانی هر یک از مسیر ویژه خود از پذیرش مسوولیت شکست فرار می کردند؛ آقای خامنه ای از طریق فرو رفتن به جلد بی طرفی و آقای روحانی از راه وارونه نمایی و شکست را پیروزی جلوه دادن.

بنابراین و با نگاه به موقعیت نامتوازن "نظام" که آن را تکانه های دایمی نیروی محرک خیزشهای ۸۸ به ویژه نامتعادل تر می کند، هر شکلی از رُفرم یا "گشایش فضا" حتی در قالب رقابت "خودی"ها، به مصلحت هیچکس و از جمله مدعیان آن، جناح میانه حکومت و گوژ "اصلاح طلب" آن نیست. مفهوم عملی این تفاهم "زیر خیمه"، بسته ماندن فضا، ریاضت اقتصادی و ادامه شرایط امنیتی دستکم در دوره انتقالی است.

جناح میانه حکومت به عنوان مجری و کارگزار این سیاست چاره ای جز پدیدار شدن روی صحنه و ایفای نقش خود ندارد. او حداکثر می تواند با ترفندهای نازل و شگردهای ژورنالیستی تلاش کند از کراهت آن بکاهد.

برای باند "اصلاح طلب" که نیروی اصلی خود را از توهم یا سرخوردگی لایه های بالایی طبقه متوسط کسب می کند، مشارکت فعال و روی صحنه در این دوره منافی ندارد و می تواند آنها را از نظر اجتماعی تمام سوز کند. از این رو "اصلاح طلبان" حکومتی برخلاف سر و صدای رسانه ای خود ترجیح می دهند نه تنها در مجلس دهم مَلاها، بلکه در مجموع کنشهای دولتی و حکومتی در سایه قرار گیرند و به عنوان نیروی ذخیره، منتظر سپری شدن دوران انتقالی بمانند.

برآمد

مُشاجره انتخاباتی آقای رفسنجانی با آیت الله خامنه ای یا آقای روحانی با آیت الله جنتی هر چقدر جنجالی و به هر میزان پُر سروصدا، اما صحنه سیاسی - اجتماعی امروز کشور با رقابت و دسته بندیهای درون ساختار قدرت متمایز نمی شود. قُطب بندی واقعی بیرون از این معرکه شکل گرفته است و در هیات مُطالبات و خواسته های دموکراتیک گسترده ترین بخشهای جامعه در یکسو و مقاومت "نظام" با همه دسته بندیها و گرایشهای داخلی اش در برابر آن آشکار گردیده است. مُطالبات جامعه، رمق از نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی گرفته و کراهت معمول آن را دو چندان آشکار ساخته است. فشار قُطب بندی مزبور تا همینجا مُناسبات جاری بین باندهای حکومتی را آنگونه وارونه کرده که تشخیص "اصلاح طلب" از "معتدل" و هر دوی اینها از "اصول گرا" به ذره بین نیاز دارد. بازیگران یکه تاز و قدر قدرت میدان بیش از اینها تحقیر خواهند شد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

درخواست سازمان ملل از دولت ایران برای اصلاح قوانین تبعیض آمیز علیه دختران



دوپچه وله، ۱۶ بهمن - کمیته حقوق کودک سازمان ملل از دولت ایران خواست قوانین کیفری و قانون ازدواج کودکان دختر را اصلاح کند. این کمیته با انتقاد از بالغ دانستن دختر از ۹ سالگی، افزایش آمار ازدواج دختر بچه ها در ایران را "عمیقاً نگران کننده" خواند. این کمیته ناظر که از ۱۸ کارشناس مستقل تشکیل شده، از دولت ایران خواست قوانین کیفری که دختران را از ۹ سالگی بالغ و در برابر دادگاه و سیستم قضایی پاسخگو میداند، اصلاح کند.

این کمیته همچنین خواهان اصلاح قوانینی شده که ازدواج اجباری دختر بچه ها با مردانی که سن آنها بسیار بالاتر است را توجیه میکنند.

این کمیته روز پنجشنبه ۴ فوریه/ ۱۵ بهمن با استناد به پیمان نامه حقوق کودک که بر اساس آن تمامی افراد کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب میشوند، از دولت ایران خواست ازدواج دختر بچه ها را ممنوع کند و مانع از آسیب جسمی و روحی این کودکان شود.

این نهاد ناظر، قوانین ایران و ۱۳ کشور دیگر عضو سازمان ملل متحد را مغایر با استانداردهای جهانی تعریف شده در مورد حقوق کودک خواند. ایران پیمان نامه حقوق کودک را امضا کرده است.

این کمیته از ایران به دلیل قانونی که داشتن رابطه جنسی با دختران از ۹ سالگی را مجاز میداند و همچنین نبود مجازات متناسب برای مقابله با سوءاستفاده جنسی از کودکان دختر انتقاد کرد.

سازمان ملل با غیرقابل پذیرش دانستن ازدواج کودکان بر اساس توجیهات فرهنگی و عرفی، از کشورهای عضو خواسته است که قدمهای جدی برای توقف کامل ازدواج کودکان بردارند.

یونیسف: ۲۰۰ میلیون زن و دختر جهان ختنه شده اند



اقتصاد آن لاین، ۱۶ بهمن - آژانس کودکان سازمان ملل موسوم به "یونیسف" در گزارشی اعلام کرد، دستکم ۲۰۰ میلیون زن و دختر در جهان تحت عمل ختنه قرار گرفته اند که نیمی از آنها از کشورهای مصر، اتیوپی و اندونزی هستند.

یونیسف در گزارش خود آورده که رقم مزبور ۷۰ میلیون مورد بیشتر از تخمینهای سازمان ملل در مورد شمار ختنه دختران و زنان در سال ۲۰۱۴ است که علت آن می تواند دسترسی به آمارهای بیشتر در برخی از کشورها و داده های جدید از اندونزی باشد.

مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۲۰۱۲ با اکثریت قاطع آرا قطعنامه

ای را تصویب کرد و در آن از تمامی کشورها خواست تا ختنه کردن زنان و دختران را متوقف کنند. یکی از اهداف جدید سازمان ملل که سپتامبر سال گذشته میلادی مد نظر قرار گرفت، حذف چنین اقدامی تا سال ۲۰۳۰ است.

"کلودیا کاپا"، یک کارشناس آماری در یونیسف و یکی از تهیه کنندگان این گزارش، گفته است که ۲۰۰ میلیون دختر و زن تحت عمل ختنه قرار گرفته اند. ۳۰ کشور که اکثر آنها در آفریقا، خاورمیانه و آسیا واقع شده اند، بیشترین آمار ختنه

زنان و دختران را به خود اختصاص داده اند. البته به نظر می رسد که این یک آمار محافظه کارانه است چون بسیاری از کشورها آمار دقیق ارائه نمی کنند.

براساس گزارش یونیسف، دختران زیر ۱۴ سال، ۴۴ درصد از جمعیت ختنه شدگان را تشکیل می دهند. در گامبیا ۵۶ درصد از این طیف سنی تحت چنین عملی قرار گرفته اند. در موریتانی ۵۴ درصد و در اندونزی نیز حدود نیمی از دختران ۱۱ ساله و کمتر تحت عمل ختنه قرار گرفته اند.

در ردیف کشورهای دیگری که دختران و زنان در طیف سنی ۱۵ تا ۴۹ سال تحت این عمل قرار گرفته اند، به ترتیب سومالی با ۹۸ درصد، گینه با ۹۷ درصد و جیبوتی با ۹۳ درصد در مکانهای اول تا سوم قرار گرفته اند.



۷ وزیر زن در دولت امارات متحده عربی

تقاطع، ۲۲ بهمن - نخست وزیر امارات متحده عربی روز چهارشنبه ۱۰ فوریه/۲۱ بهمن، دوازدهمین کابینه تاریخ این کشور را معرفی کرد که ۷ نفر از ۲۹ عضو آن را زنان تشکیل می دهند.

"شیخ محمد بن راشد آل مکتوم" در کابینه جدید سه وزارتخانه تازه تاسیس "خوشبختی"، "مدارا" و "جوانان" را به وزرای زن سپرده است. "عهد الرومی" که در این کابینه به سمت وزارت خوشبختی منصوب شده، دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار (MBA) از دانشگاه شارجه است. او نخستین زن عربی به شمار می رود که به

عضویت شورای جهانی کارآفرینی سازمان ملل متحد درآمده و همزمان مدیرکل دفتر نخستوزیری امارات متحده عربی را نیز بر عهده داشته است.

"لوبنا خالد القاسمی"، ۵۴ ساله، که به سمت وزیر مدارا منصوب شده، از سال ۲۰۰۴ در کابینه های پیشین امارات متحده عربی حضور داشته و در ۱۲ سال گذشته وزیر اقتصاد، تجارت خارجی و توسعه و همکاریهای بین المللی بوده است. اما جوان ترین وزیر در کابینه تازه امارات متحده عربی، "شما المزورعی" است که با ۲۲ سال سن به سمت وزیر امور جوانان منصوب شده و لقب جوان ترین وزیر جهان را به خود اختصاص داده است. خانم المزورعی مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه اکسفورد و مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه نیویورک اخذ کرده و قرار است ریاست شورای جوانان امارات را نیز بر عهده گیرد.

"نجلا محمد العور" و "جمیله سالم المهیری" نیز دو زن دیگری هستند که به ترتیب در راس وزارتخانه های "توسعه اجتماعی" و "آموزش عمومی" قرار گرفته اند. همچنین، "نوره الکعبی" به سمت "وزیر مشاور در امور مجلس ملی" منصوب شده است.

حضور پررنگ زنان در دولت جدید امارات در حالی صورت می گیرد که کمتر از سه ماه قبل، پارلمان این کشور در اتفاقی تاریخی، یک زن را به ریاست خود انتخاب کرد. این انتخاب "امل القیسی"، ۴۴ ساله، را به اولین زن در جهان عرب تبدیل میکند که ریاست یک نهاد پارلمانی را به عهده گرفته است.

فراخوان یک نجات یافته از چنگ داعش

میل آنالین، ۲۶ بهمن - یک نجات یافته از بردگی گروه داعش که پیش از به اسارت گرفته شدن مجبور به تماشای قتل وحشیانه خانواده اش توسط افراد داعش شده بود، فراخوان به اتحاد انسانیت علیه تروریسم داد.

"نادیا مراد باسی طه"، ۲۱ ساله، وقتی داعش ۶ برادر و مادرش را در اوت ۲۰۱۴ در شهر "سنجار" در شمال عراق به قتل رساند، یتیم شد.



او یکی از ۵ هزار زن یزیدی به اسارت گرفته شده بود که از شهر خود به مقر داعش در "موصل"، جایی که مورد تجاوز و شکنجه قرار گرفتند، برده شدند. او ۳ ماه بعد موفق شد از چنگال افراد داعش بگریزد و اکنون در آلمان زندگی می کند؛ جایی که از نزدیک با ملل متحد همکاری می کند تا تجربیات خود را در میان بگذارد.

"یک سال و نیم گذشت و قتل عام علیه یزیدیها ادامه دارد. ما هر روز می

میریم چرا که دنیا را در قبال مشکلات خود ساکت می بینیم. من پیشتر یتیم بودم و پدر نداشتم، همه دارایی ام مادرم بود. اما وقتی مرا به موصل برده و مورد تجاوز قرار دادند، مادر و برادرانم را فراموش کردم، زیرا کاری که با زنان می کردند، از مرگ سخت تر بود."

او در حالی که اشک می ریخت گفت: "وقتی صحبت می کنم فقط از جانب خودم حرف نمی زنم، بلکه از جانب تمام زنان و کودکانی صحبت می کنم که در منطقه جنگی آسیب دیدند."

نادیا افزود: "هم اکنون هنوز ۳۴۰۰ زن در دستان داعش اسیرند. تمام خواسته ما این است که زنان مان آزاد شوند."

تصویب قانون مجازات خشونت علیه زنان در الجزایر

رادیو زمانه، ۲۷ بهمن - به دنبال تلاش گروههای فمینیستی در الجزایر، قانون مجازات خشونت علیه زنان در این کشور تصویب شد. این قانون بعد از سالها بحث و رد شدن طرح در سنای الجزایر، سرانجام در پارلمان به تصویب رسید. نمایندگان اسلامگرا این طرح را دخالت در امور خانوادگی می دانستند، اما در نهایت قانون مجازات خشونت علیه زنان، به خصوص خشونت خانگی از سوی همسر تصویب شد.

بر اساس این قانون اگر خشونت وارد شده به زن در خانه باعث شود که وی ۱۵ روز و بیشتر دچار کارافتادگی شود، آزارگر به ۲ سال زندان محکوم می شود.

همچنین برای خشونت منجر به نقص عضو، مجازات ۱۰ تا ۱۵ سال زندان تعیین شده است.

جلوگیری از ورود تماشاگران زن به بازیهای والیبال ساحلی کیش

دوپیچه وله، ۲۷ بهمن - در دومین روز رقابتهای جهانی والیبال ساحلی در کیش و برخلاف وعده های فدراسیون والیبال ایران و فدراسیون جهانی والیبال، از ورود زنان به محل مسابقات جلوگیری شد.



در جریان مسابقات والیبال ساحلی که از ۲۶ تا ۳۰ بهمن (۱۵ تا ۱۹ فوریه) در جزیره کیش برگزار می شود، بار دیگر به زنان اجازه ورود به محل برگزاری این بازیها داده نشد. محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال ایران پیش از این به طور تلویحی به ورود زنان تماشاگر به بازیها اشاره کرده و گفته بود: "با توجه اینکه

کیش یک جزیره توریستی در ایران به حساب می آید، اکثر تیمها و میهمانان با خانواده هایشان در این جزیره حضور پیدا خواهند کرد."

پیش از شروع بازیها در کیش، فدراسیون والیبال ایران وعده داده بود که ورود زنان به محل برگزاری بازیها بدون مشکل خواهد بود.

ورود زنان به رقابتهای والیبال ساحلی در کیش برای فدراسیون والیبال ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که فدراسیون جهانی اعلام کرده بود که تنها در صورت رفع ممنوعیت حضور زنان تماشاگر در بازیها، میزبانی رقابتهای لیگ جهانی والیبال در ماه ژوئن ۲۰۱۶ از ایران باز پس گرفته نخواهد شد.

شبهای سرد زنان بیخانمان کرجی



ایسنا، ۲۸ بهمن - عضو شورای شهر کرج بر ضرورت احداث گرمخانه زنان در این شهرستان تاکید کرد.

فاطمه اسکندری اظهار کرد: "متأسفانه هنوز در شهرستان ۲ میلیون نفری کرج گرمخانه ای مختص زنان بی خانمان احداث نشده است. بارها موضوع احداث این گرمخانه توسط اعضای شورای شهر مطرح شده، ولی آنطور که باید و شاید از سوی شهرداری پیگیری نشده است." وی خاطرنشان کرد:

"بدون شک برای زنان بی خانمان گذراندن شبهای سرد زمستان در گوشه و کنار شهر بسیار دشوارتر از مردان بوده و آسیبهای زیادی به همراه دارد."

اسکندری توضیح داد: "شهرداری باید برای هزینه کرد بودجههای خود برنامه ریزی مدونی داشته باشد و بخشی از آن را برای ساخت گرمخانه زنان اختصاص دهد."

عضو شورای شهر کرج گفت: "قانون برای حمایت از افرادی که به دلایل مختلف از کانون گرم خانواده خود جدا شده اند، راهکارهایی ارائه داده که یکی از آنها ساخت گرمخانه است. به همین دلیل شهرداری باید برای عمل به این راهکار با جدیت بیشتری گام بردارد."

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

چالشهای معلمان در بهمن ماه



افرادی از بدنه دولت از خصوصی کردن مدارس سود می برند

ایلنا، ۴ بهمن - یک فعال صنفی معلمان می گوید؛ خصوصی سازی آموزش و پرورش به معنای تحمیل فرهنگ شرکتی و تجاری است و بیشتر برای افزایش آمار شاغلان و افزایش سود بعضی افراد در بخش خصوصی مفید است تا ارتقای کارآمدی و سطح سواد دانش آموزان.

مهدی بهلولی گفت: "افرادی که به عنوان معلم در مدارس بخش خصوصی جذب می شوند، بعضاً حتی دوره معلمی را نگذرانده اند، در صورتی که در کشوری مثل فنلاند هر معلم ۵ سال دوره می بیند. کسی که دوره ندیده و تخصص تدریس ندارد و از سر بیکاری تن به معلمی داده، به این کار به عنوان یک شغل موقت نگاه می کند و یکی دو سال می ماند و به محض اینکه شغل بهتری پیدا کرد، معلمی را رها می کند."

وی پرسید: "سوال مهم این است دانش آموزانی که در این چند سال زیر دست چنین معلمانی موقتی با حداقل حقوق دریافتی پرورش پیدا می‌کنند، چه می‌شوند؟"

بهلولی تاکید کرد: "از این طرح سواد و فرهیختگی بیرون نمی‌آید، بلکه سود برای بخش خصوصی و کاهش بیکاری به نفع آمارهای دولتی بیرون می‌آید."

این معلم با سابقه یکی دیگر از مشکلات این طرح را با ذکر مثالی تشریح کرد: "دیده شده که در یکی از این مدارس خصوصی، فردی که یک گرایش خاص و تعلق فکری و شغلی به یک نهاد نظامی داشته، افراد همسو با خودش را به عنوان معلم جذب کرده و در نتیجه مدرسه را به پادگان و فضای نظامی تبدیل کرده است. الان این خطر درباره همه گرایشهای فکری و عقیدتی وجود دارد که تفکر خودشان را بر نظام تربیتی استاندارد تحمیل کنند."

وی تصریح کرد: "بنده شخصاً معتقدم افرادی از بدنه دولت یا آموزش و پرورش از خصوصی کردن مدارس منتفع می‌شوند و در این امر ذی نفع هستند."

گسترش مدارس خصوصی امنیت شغلی و معیشت معلمان را هدف گرفته

ایلنا، ۱۵ بهمن - یک فعال صنفی معلمان اعتقاد دارد گسترش مدارس خصوصی که در دستور کار دولت فعلی قرار گرفته، به طور مستقیم امنیت شغلی و معیشت معلمان را هدف قرار داده است.

محمد رضا نیک‌نژاد با اشاره به اینکه به‌کارگیری معلمان در بخش خصوصی مصداق بارز بهره‌کشی است، گفت: "بیشتر از ۸۰ درصد معلمان بخش خصوصی نیروهای آزاد هستند و نظام آموزش و پرورش تعهدی نسبت به معیشت یا تامین امنیت شغلی آنان ندارند."

وی با اشاره به اینکه معلمان مدارس خصوصی حق اعتراض ندارند و به راحتی کنار گذاشته می‌شوند، افزود: "دستمزد غالب این معلمان به صورت حق التدریس و جلسه‌ای پرداخت می‌شود، ضمن اینکه از بیمه و امنیت شغلی نیز چندان خبری نیست."

نیک نژاد با تاکید بر اینکه رویکرد اصلی مدارس خصوصی جذب نیروهای آزاد است تا به راحتی از آنها سوواستفاده کنند، گفت: "معلمان در مدارس خصوصی در ایام تعطیل از جمله ماههای تابستان، حقوقی دریافت نمی‌کنند، همچنین موظف هستند ۱۵ روز از بیمه را خودشان پرداخت کنند."

وی با تاکید بر اینکه حتی در کشورهای لیبرال هم این چنین بر خصوصی کردن آموزش تاکید نمی‌شود، گفت: "پولی کردن هر خدمت دولتی که به صراحت در قانون بر رایگان بودن آن تاکید شده، ارزش فرهنگی آن را کم‌رنگ می‌کند و با سپردن آن به دست روابط سودجویانه بازار، از سطح کیفی آن می‌کاهد."

نیک نژاد تصریح کرد: "در شرایط پسانتحریم، دولت می‌تواند به‌جای کوبیدن بر طبل خصوصی سازی، با به‌کارگیری و آموزش معلمان جدید و همچنین تجهیز و نوسازی مدارس، به بخشی از وظایف قانونی خود جامه عمل بپوشاند و در عمل به محرومیت زدایی آموزشی بپردازد."



تعطیلی کلاس درس و تجمع دانش آموزان در اعتراض به بی‌آبی

میناب جنوب، ۲۱ بهمن - دانش آموزان هنرستان "الزهرا" بخش سندرک به نشانه اعتراض به مشکل بی‌آبی، در برابر اداره آموزش و پرورش این بخش تجمع نمودند.

برداشت بی‌رویه آب از بستر سطح منابع آبهای زیر زمینی نه تنها باعث ایجاد فروچاله‌هایی در دشت میناب شده است، بلکه مردم روستاهای شهرستان میناب را با مشکل کمبود آشامیدنی و نگرانی در باره آن مواجه ساخته است.

این امر مسوولان محلی بخش سندرک را بر آن داشت تا در اولین سفر استاندار هرمزگان به بخش سندرک برای افتتاح پروژه های عمرانی در دهه فجر، این مشکل را به وی گزارش دهند. با این حال با گذشت چند روز از ارایه مشکل بی آبی توسط اعضای شورای اسلامی بخش سندرک در حضور استاندار هرمزگان، مردم روستاهای این بخش همچنان با مشکل بی آبی مواجه هستند، به طوری که تعطیلی کلاس درس دانش آموزان دخترانه هنرستان الزهرا سندرک و تجمع اعتراضی آنها در برابر اداره آموزش و پرورش این بخش را در پی داشته است.



معلمان زینت مراسم انتخاباتی نیستند

حقوق معلم و کارگر، ۲۳ بهمن - گروهی از معلمان شهرستان ملارد در بیانیه ای بر استقلال خود از نزاعهای انتخاباتی جناحها تاکید کردند. در بخشهایی از بیانیه گفته می شود: "در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی ضمن تاکید برحق رای و مشارکت سیاسی همه شهروندان، به تمامی کنشگران سیاسی و مسوولان ذی ربط هشدار می دهیم به دنبال استفاده ابزاری از معلمان نباشند."

معلمان می پرسند: "۳۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است، امروز حق داریم از حاکمیت سوال کنیم تعهدات قانونی و الزام آور دولت ایران برای اجرای آموزش رایگان، عادلانه و با کیفیت چه شد؟ میلیونها کودک محروم از تحصیل یا بی بهره از آموزش با کیفیت و عادلانه وجود دارد. نظام آموزشی در کشورهای مختلف به سوی کارآمدی و کیفیت بخشی پیش می روند در حالی که مدارس ایران به عقب بازمی گردند؛ به جای تعلیم، تبلیغ و به جای حقوق بشر، تکلیف محوری به دانش آموزان القا می شود."

بیانیه یک بار دیگر بر مطالبات معلمان تاکید کرده و آنها را اینگونه برمی شمارد:

"۱- فعالیت صنفی معلمان مثل تمام صنوف دیگر باید مورد حمایت و احترام حاکمیت قرار گیرد.

۲- دستمزد معلمان پایین تر از خط فقر است. تمام کارمندان باید بتوانند وفق بند ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی از یک معیشت حداقلی بهره مند شوند. بر این مبنا، پرداخت دستمزدی بالاتر از خط فقر یک ضرورت است تا این هدف تحقق یابد.

۳- کلاسهای شلوغ و در برخی موارد چهل نفره آسیبهای جدی به سلامت جسمی و روانی معلمان و دانش آموزان وارد می کند. ظرفیت هیچ کلاسی نباید از ۲۰ دانش آموز فراتر رود.

۴- مناصب اغلب غنایم انتخاباتی اند که بین فاتحان تقسیم می شود. تفکیک فعالیت آموزشی از فعالیت سیاسی در این وزارتخانه یک ضرورت جدی است."

آموزش و پرورش دانشجو - معلمان را فریب می دهد

سخن معلم، ۲۴ بهمن - یک فعال صنفی می گوید، وزارت آموزش و پرورش دانشجو - معلمان را فریب می دهد و کسر از حقوق آنها غیرقانونی است.

فرشید محمودی اسفندقه، دبیر جمعیت فرهنگیان فردا (ایران) در نوشته ای می نویسد: "دانشگاه فرهنگیان با جذب دانشجو - معلمان و آموزش آنان و



نیز استخدام آنان در وزارت آموزش و پرورش به عنوان معلم، وظیفه جذب و آموزش و تحویل معلم را به سیستم آموزشی کشور دارد." او خاطر نشان می کند: "وزارت و شخص وزیر به عنوان فرد اصلی و بازیگردان، با کسرهای غیرقانونی و خلاف عرف و شرع و اخلاق در عمل به فریب دانشجو - معلمان می پردازد و نیز بحث نداشتن فعالیت تدریسی را پیش می کشند." وی توضیح می دهد: "اگر به فیش حقوقی دانشجو - معلمان توجه کنیم، می بینیم که مبلغی حدود ۳۶۰ هزار تومان را بابت هزینه های دانشگاه و مبالغی را نیز به خاطر بیمه، کمک به انصار الحسین، سهم بازنشستگی و... کسر می کنند. در آخر، جمع کسورات حدود ۹۹ درصد کل حقوق که معادل ۵۲۲۸۰۰ تومان است را در برمی گیرد." این فعال صنفی می افزاید: "بدترین نشان دانشجو - معلمان و تازه واردان جامعه آموزش از سوی آموزش و پرورش و وزیر، ندادن حقوق آنها است و اینکه حقوق ورودیه های ۹۱ و ۹۲ دانشگاه فرهنگیان به زیر ۱۰ هزار تومان می رسد و بالاترین حقوق نیز به ۱۸۰ هزار تومان می رسد و حتی فیش حقوقی دانشجو معلمان به ۲ هزار و ۵۰۰ ریال نیز رسیده است." محمودی در پایان می نویسد: "نه حقوق به ما می دهند، نه وام رفاهی یا گره گشایی می دهند، نه خدمات وزارت به ما تعلق می گیرد... خوب گناه ما چیست؟"

آزادی یک فعال صنفی با قید وثیقه



سخن معلم، ۲۹ بهمن - فرج کمیجانی، دبیرکل "مجمع فرهنگیان ایران اسلامی" با قید وثیقه یک میلیارد تومانی آزاد شد.

این فعال صنفی - سیاسی معلمان روز چهارشنبه دوم دی ماه سال جاری با حکم بازپرس شعبه ۲ بازپرسی دادسرای قاضی مقدس در دفتر کارش در مجتمع فنی رسالت بازداشت شده بود.

در حال حاضر، علیرضا هاشمی سنجانی، دبیر کل سازمان معلمان ایران، علی اکبر باغانی، نایب رییس کانون صنفی معلمان ایران، اسماعیل عبدی، دبیرکل کانون صنفی معلمان

ایران، محمود بهشتی لنگرودی و رسول بداقی، از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران، در زندان به سر می برند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

اعتراض سراسری دانشجویان دانشگاه پیام نور



در پی ابلاغ دستورالعمل جدید پرداخت شهریه دانشجویان دانشگاه پیام نور و همچنین حذف دروس خودخوان از برنامه این دانشگاه در نیم سال جدید، تعدادی از مراکز این دانشگاه در سراسر کشور شاهد تجمع و اعتراضات دانشجویی بودند.

براساس این تغییر دانشجویان موظفند تا ۲۵ بهمن ماه تمام شهریه خود را پرداخت کنند. این در حالی است که تاکنون دانشجویان مهلت بیشتری برای پرداخت این شهریه داشتند. در صورت نپرداختن شهریه در مهلت یاد شده، دانشجویان امکان حضور در امتحان را نخواهند داشت.

مشهد: دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد روز سوم بهمن در اعتراض به تغییر فرآیند شهریه ها در این دانشگاه تجمع کردند.

یکی از دانشجویان معترض در این رابطه گفت: "پیشتر روند انتخاب واحد اینگونه بود که هر ترم با واریز شهریه ثابت، پرتال انتخاب واحد دانشجویان باز شده و شهریه متغیر در بازه امتحانات و یا طول ترم واریز می شد."



وی ادامه داد: "امسال در سیستم گلستان اعلام شد شهریه ثابت و متغیر باید تا ۲۵ بهمن ماه واریز شود. این مساله از دو زاویه قابل بررسی است؛ اول اینکه دانشجویان انتظار چنین مساله ای را نداشتند این مدل پرداخت شهریه کمی شوکه کننده بود، دوم، دانشجویی که این دانشگاه را برای تحصیل انتخاب کرده، بی شک وسیع مالی زیادی برای تحصیل در برخی دانشگاهها را نداشته است."

این دانشجوی پیام نور مشهد گفت: "من دانشجوی کارشناسی ارشد هستم و همین دو ماه پیش شهریه ترم گذشته که حدود دو میلیون تومان بود را واریز کرده ام و حال باید دومرتبه، تا ۲۵ بهمن ماه، ۱٫۵ میلیون تومان دیگر پرداخت کنم. این وضعیت به من فشار زیادی وارد می کند."

اهواز: روز ۳ بهمن دانشجویان دانشگاه پیام نور اهواز در اعتراض به آیین نامه پرداخت شهریه ثابت و متغیر تا ۲۰ روز پس از انتخاب واحد (۲۵ بهمن ماه) و همچنین حذف دروس خودخوان از برنامه این دانشگاه، دست به تجمع زدند.



در تجمع امروز ماموران حراست اقدام به عکسبرداری جهت تهدید و شناسایی دانشجویان معترض و برخورد با آنها کردند. به گفته دانشجویان، این یک نوع تهدید و ارباب جهت جلوگیری از انتقاد اعتراض است.

یکی از دانشجویان که در این تجمع اعتراضی شرکت کرده بود، با بیان اینکه این تجمع از ساعت ۱۰ صبح امروز آغاز شد، گفت: "دانشجویان در محوطه و در مقابل دفتر رییس دانشگاه تجمع

کردند که ماموران حراست از تجمع دانشجویان در مقابل این دفتر ممانعت به عمل آوردند." یکی دیگر از دانشجویان حاضر در این تجمع با بیان اینکه کسی از مدیران دانشگاه حاضر به پاسخ گویی به دانشجویان نشده است، گفت: "دانشجویان برای مطالبه حق خود آمده بودند و تجمع کردند، اما پاسخ روشنی دریافت نکردند. اکنون



عنوان می کنند که دانشجویان در صورت مشکل برای پرداخت شهریه می توانند از وام استفاده کنند، اما ارایه وام با بهره چهار درصد به معنای آن است که شهریه چهار درصد افزایش یابد."

تبریز: بعد از ظهر روز یکشنبه ۴ بهمن ماه حدود ۲۰۰ دانشجوی دانشگاه پیام نور مرکز تبریز در اعتراض به دستورالعمل جدید پرداخت شهریه در مقابل ساختمان ریاست تجمع کردند که در نهایت در جلسه با رییس این واحد دانشگاهی، پرداخت یکباره شهریه ها منتفی شد.

در حین سوال و جواب دانشجویان، واحدی، رییس دانشگاه پیام نور استان، ضمن تماس تلفنی با رییس مرکز تبریز، لغو

قانون شهریه ها را به جمع حاضر در سالن اعلام نمود و عنوان کرد، از این پس به روسای دانشگاههای پیام نور اجازه داده شده که طبق اختیار خود بتوانند پرداخت شهریه متغیر را تا آخر ترم به تعویق بیندازند.



بندرعباس: دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد هرمزگان در روز ۶ بهمن در اعتراض به تصمیم ناگهانی این دانشگاه پیرامون

پرداخت شهریه ها، در محوطه بیرونی دانشگاه تجمع کردند.

صمد حمزه ای، رییس دانشگاه پیام نور مرکز بندرعباس، در جمع دانشجویان حاضر شد و گفت، برای پرداخت شهریه متغیر در زمان مقرر، وام دانشجویی چهار درصدی به دانشجویان تعلق می گیرد.

شهریار: روز ۹ بهمن، دانشجویان دانشگاه پیام نور شهریار به دلیل شیوه پرداخت شهریه، در مقابل دفتر ریاست این دانشگاه تجمع کردند.

قانون جدیدی که دانشگاه پیام نور برای انتخاب واحد و تحصیل این ترم دانشجویان وضع کرده است موجب اعتراض دانشجویان این دانشگاه را در سراسر کشور شده است.

همدان: دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان روز ۱۰ بهمن در اعتراض به نحوه جدید پرداخت شهریه ها در محوطه دانشگاه تجمع کردند.

دانشجویان در تجمع امروز خود به بخشنامه جدید دانشگاه مبنی بر پرداخت شهریه قبل از آغاز کلاسها اعتراض کردند و در یک طومارنامه، اعتراض خود را به مدیریت این دانشگاه منتقل کردند.

اصفهان: دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان روز ۱۸ بهمن، در بیانیه ای ناراضیتی خویش را از روند افزایشی شهریه ها و عدم بهبود وضعیت آموزشی اعلام کرده و به جد خواستار تجدید نظر در قانون جدید پرداخت شهریه متغیر و شفاف سازی پیرامون علت افزایش شهریه ها و بودجه فرهنگی و توقف این افزایشها شدند.



سأوه: صبح ۱۲ بهمن دانشجویان پیام نور ساوه در اعتراض نسبت به وضعیت جدید نحوه پرداخت شهریه و حذف دروس خودخوان تجمع کردند.

دانشجویان معترض به نشانه اعتراض در سالن آمفی تياتر دانشگاه پیام نور ساوه تجمع کرده و از ریاست دانشگاه خواستار پاسخگویی به مشکلات پیش آمده شدند. ریاست دانشگاه پیام نور مرکز ساوه در بین تجمع کنندگان حضور یافت و با دانشجویان معترض نسبت به قوانین جدید گفتگو کرد و به آنها وعده داد که به زودی این مشکلات برطرف خواهد شد.

تجمع فارغ التحصیلان دانشگاههای تربیت دبیر

تعدادی از فارغ التحصیلان سال ۸۸ دانشگاههای تربیت دبیر مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. یکی از این فارغ التحصیلان گفت: ما قرار بود به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآییم اما این اتفاق نیفتاده است و الان ۶ سال است که بلا تکلیف هستیم. (فارس، ۴ بهمن)

تحصن دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در اعتراض به تداوم کاهش میزان خدمات دانشگاه

امسال همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید دانشگاهها، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران متوجه تداوم کاهش چشمگیر میزان خدمات دانشگاه مطابق روال چند سال گذشته شدند و وقتی با مراجعه حضوری به نتیجه نرسیدند، دست به تحصن و اعتراض چند ساعته در محوطه مجتمع دانشگاهی "پیامبر اعظم ساری" زدند. دانشجویان در این اقدام صنفی به پیگیری مطالبات خود پرداختند و معتقد بودند در چهار سال گذشته میزان خدمات دانشجویی به تدریج کاهش یافته است.

مهمترین خواسته های دانشجویان کاهش سرانه غذای دانشجویی، کاهش تعداد تردد سرویسهای رفت و آمد از پنج مرتبه حرکت به سه حرکت در روز، کاهش محسوس کیفیت غذا، قطع شدن برنامه استفاده دانشجویان از استخر و برخی موارد دیگر بود. این تحصن که از صبح آغاز شده بود، با گذشت چند ساعت حوالی ظهر با حضور برخی معاونان و مسوولان دانشگاه، دریافت مطالبات دانشجویان و قول رسیدگی به مسأله کاهش خدمات به دانشگاه خاتمه یافت.

یکی از دیگر مطالبات دانشجویان گفتگوی حضوری با دکتر جانبابایی، رییس دانشگاه بود که بی جواب ماند. (تابناک، ۱۰ بهمن)

تجمع اعتراضی دانشجویان کارشناسی ناپیوسته مقابل مجلس

دانشجویان مهندسی عمران و شهرسازی در اعتراض به مصوبه جدید وزارت راه و شهرسازی مبنی بر عدم صدور پروانه و مجوز ساخت و نظارت برای مهندسی که کارشناسی ناپیوسته خوانده اند، مقابل مجلس تجمع کردند. بر اساس مصوبه مذکور که در تاریخ ۲۵ مردادماه سال جاری مقرر شده، پروانه بیش از ۵ هزار نفر از مهندسان عضو نظام مهندسی معطل مانده و نمی توانند عضو سازمان نظام مهندسی شوند.

از طرفی لغو پروانه مهندسی که کارشناسی ناپیوسته خوانده اند در حالی صورت گرفته است که دانشجویان کارشناسی پیوسته مشکلی برای صدور پروانه ندارند و با اینکه میزان، محتوا، سیلابها، کیفیت و ... واحدهای گذرانده شده توسط هر دو قشر یکسان است و در عمل تفاوتی میان کسب محتوای این دو گروه مهندس نیست، اما وزارت راه این تصمیم سوال برانگیز را اتخاذ کرده است.

گفتنی است، دانشجویان مهندسی سابق بر این تصمیم وزارت راه، بعد از گذراندن ۷۰ درصد از واحدهای درسی، حایز مجوز یا همان پروانه ساخت و ساز می شدند و بعد از گذراندن ۹۰ درصد از واحدهای درسی نیز مجوز نظارت می گرفتند که اکنون این امتیاز فقط به دانشجویان کارشناسی پیوسته تعلق می گیرد و این وزارتخانه در عمل دانشجویانی که کارشناسی



ناپیوسته می خوانند را مهندس نمی داند. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۲ بهمن)

تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد در اعتراض به افزایش ۴۵ درصدی شهریه

روز ۱۱ بهمن، جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد علوم پزشکی تهران در اعتراض به افزایش شهریه ثابت، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع در حالی برگزار شد که ریاست این واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد در دانشگاه حضور نداشت اما بی شک ماجرای پر سر و صدای این تجمع به گوش وی رسیده است.

دانشجویان می گویند، دانشگاه مدعی است که فقط ۱۵ درصد به شهریه اضافه شده، اما با یک حساب سرانگشتی می شود فهمید که ۱۵ درصد یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، ۱۶۵ هزار تومان می شود، نه ۵۰۰ هزار تومان! همچنین دانشگاه مقداری از این شهریه تعیین شده را به عنوان علی الحساب، قبل از انتخاب واحد خواسته است، اما دانشجویان همین مقدار هم توانایی تامین هزینه ها را ندارند و احتمال ترک تحصیل بسیاری از دانشجویان به علت ناتوانی در تامین میزان درخواستی دانشگاه قوت گرفته است. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۲ بهمن)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

کارورزان سلامت

امید برهانی

بهمن، برخلاف سابقه تاریخی و نوستالژیک در مبارزه و اعتراض، امسال ماه کم اعتراضی برای پرستاران ایران بود، چرا که به نظر می رسد نمایندگان برگزیده این گروه در سازمان نظام پرستاری که برای نخستین بار از سلطه و کنترل دولتیها خارج شده، دست به تحرکات و اعلام برنامه های گسترده ای در حفظ و تقویت پیوند با بدنه جامعه پرستاری از یکسو و ادامه چالش با وزارت بهداشت از سوی دیگر زده اند. نقطه اوج این چالش را می توان برگزاری دوگانه و موازی مراسم روز پرستار در هفته پایانی بهمن ماه دانست.

مهاجرت پرستاران بیکار

خانه ملت، ۳ بهمن - نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی، بیکار بودن ۷ هزار نیروی پرستار در کشور را تکذیب کرد و گفت: "حوزه سلامت نه تنها با نیروی پرستار بیکار روبرو نبوده، بلکه در بسیاری مواقع کمبود نیروی انسانی در مراکز درمانی به شدت احساس می شود."



عابد فتاحی همزمان اذعان کرد: "موضوع مهاجرت پرستاران به امری جدی و هشدار آمیز تبدیل شده و این می تواند زنگ خطری برای مسوولان حوزه سلامت به شمار رود، چرا که با ادامه چنین روندی قطعاً بهداشت و درمان کشور با معضل روبرو خواهد شد."

وی مدعی شد: "با توجه به اینکه حقوق و مزایای پرستاران در کشورهای پیشرفته بسیار مناسب است لذا سیل عظیمی از نیروهای پرستاری به سمت دیگر کشورها سوق پیدا کرده اند."

پیش از این مسوول روابط بین الملل سازمان نظام

پرستاری کشور با اشاره به کمبود بین ۱۳۰ تا ۲۰۰ هزار پرستار در بخش درمان کشور، از وجود هفت هزار پرستار بیکار در کشور خبر داده بود.



خصوصی سازی بهداشت و درمان به بهانه کوچک سازی بدنه دولت

ایلنا، ۴ بهمن - وزیر بهداشت گفت: "دولت و مجلس مانع استخدام نیروهای جدید هستند، چرا که معتقد به برون سپاری هستند و ما هم همین اعتقاد را داریم."

در واکنش به این سخنان، حسین علی نسایی، عضو شورای عالی نظام پرستاری، گفت: "گویا ایشان به درستی متوجه مطالبات پرستاران نشده اند." وی افزود: "بر اساس نص صریح قانون و اصل ۲۹ قانون اساسی، کوچک سازی بدنه دولت شامل بخش درمان نمی شود. تامین

بهداشت و درمان برای آحاد ملت، وظیفه دولت است و دولت نمی تواند مسوولیت‌های حاکمیتی خود را برون سپاری کند." عضو شورای عالی نظام پرستاری با بیان این مطلب که تامین خدمات درمانی کیفی و در دسترس نمی تواند به بخش خصوصی واگذار شود گفت: "نارساییها و مشکلات واگذاری درمان به بخش خصوصی هم گریبان مردم را می گیرد و هم جامعه پرستاری را متضرر می کند." وی پرسید: "آیا مسوولان واقف نیستند که در شرایط فعلی اقشار ضعیف جامعه توانایی خرید خدمات درمانی گران قیمت در بخش خصوصی را ندارند؟"

او افزود: "از طرف دیگر، جامعه پرستاری نیز از استخدام در بخش خصوصی استقبال نمی کند. بخش خصوصی حداقل دستمزد مصوب وزارت کار را به پرستارانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، در ازای شیفتهای سنگین آنها پرداخت می کند و علاوه براین، پرستاران در بخش خصوصی کمترین امنیت شغلی را دارند."

علی نسایی در ادامه به ساختار مدیریت ارباب رعیتی و سرمایه محور بخش خصوصی اشاره کرد و گفت: "بخش خصوصی از کادر درمان سواستفاده حداکثری می کند و مزایای قانونی پرستاران پرداخت نمی شود."

تعرفه گذاری خدمات پرستاری همچنان خاک می خورد

قدس آنلاین، ۵ بهمن - تعرفه گذاری خدمات پرستاری، به معنای تفکیک دقیق و علمی اجزای خدمات بالینی از یکدیگر، ارزش گذاری نسبی آنها از نظر دشواری، زمان و مهارت مورد نیاز برای انجام هر یک و تعیین هزینه عادلانه و شفاف در هر خدمت برای ارایه دهنده، دریافت کننده و سازمان است.

دکتر سید رضا مظلوم، عضو شورای نظام پرستاری کشور در این باره می گوید: "پیشنهاد تعرفه گذاری خدمات پرستاری در سال ۱۳۸۵ توسط سازمان نظام پرستاری به مجلس شورای اسلامی ارایه شد و در ۶ تیرماه ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و به تایید شورای نگهبان رسید و به صورت قانون درآمد و وزارت بهداشت موظف شد بسته های خدمات تشخیصی و درمانی کادر پرستاری را ظرف ۶ ماه با همکاری سازمان نظام پرستاری و وزارت رفاه تهیه کند و پس از تایید شورای عالی بیمه، به تصویب هیات دولت برساند."

به گفته وی اما سیر بعدی این قانون بر خلاف انتظار جامعه پرستاری مطابق روال معمول پیش نرفت و از زمستان سال ۸۶ که رییس وقت اداره پرستاری وزارت بهداشت از اجرایی شدن قانون تعرفه گذاری پرستاری تا روز پرستار سال بعد خبر داد، هر سال این وعده به ماهها و سالهای بعد موکول شده تا سرانجام در مرداد سال جاری تعرفه های پرستاری به شورای عالی بیمه ارسال شد، اما با برآورد بودجه دو هزار میلیارد تومانی برای آن، این ارسال در عمل به عنوان یک رفع تکلیف تلقی شد.

در شهریور ماه امسال نیز معاون پرستاری وزارت بهداشت برای سومین بار وعده اجرای آزمایشی تعرفه پرستاری را از مهر ماه داد، در حالی که وضعیت آن در شورای عالی بیمه هنوز مبهم است.

اخراج و نپرداختن دستمزد پرستاران به دنبال خصوصی سازی درمان



تامین، ۱۰ بهمن - محمد شریفی مقدم، دبیرکل "خانه پرستار" خاطرنشان کرد: "واگذاری امور پرستاری به بخش خصوصی قبلاً انجام شده و امتحان خود را پس داده و متأسفانه سابقه خوبی هم نداشته است، چون در نهایت مردم ضرر کردند و موجب نارضایتی آنان شده است." وی با بیان این که از ابتدای دهه ۸۰ واگذاری امور پرستاری به بخش خصوصی آغاز شد و در دولت یازدهم هم استخدام دولتی پرستاران انجام نشده است گفت: "الان هم شرکتهایی پرستار جذب و استخدام می کنند

که اساس و پایه ندارند و همین باعث می شود که مثلاً الان در کرمان ۱۰۰ پرستار را اخراج کرده اند، در سیستان و بلوچستان حقوق پرستاران شرکتی سه ماه و در یاسوج چهار ماه است که پرداخت نشده است و کسی هم که به مدت طولانی حقوق نمی گیرد، انگیزه اش برای ارایه خدمات مناسب کم می شود."

وی تاکید کرد: "کسانی که بر طرحهای غیرکارشناسی تاکید دارند، اهداف دیگری در سر دارند و به دنبال رضایت مردم و جامعه پزشکی نیستند."

سومین نامه سرگشاده خانه پرستار به روحانی

خانه پرستار، ۱۱ بهمن - "خانه پرستار در یک نامه سرگشاده به حسن روحانی نسب بی توجهی و برخورد سلبی به نامه ها و طومارهای اعتراضی انتقاد کرده است. در بخشهایی از این نامه آمده است:

"پیرو اولین نامه سرگشاده در تاریخ ۱۷ خرداد ۹۳ با امضای الکترونیکی بیش از ۲۴ هزار پرستار و دومین نامه سرگشاده در تاریخ ۲۳ مهر ۹۳ با ۱۷ هزار امضا به حضرتعالی به عنوان رییس محترم جمهور مردم، در حالی که جامعه بزرگ پرستاری کشور به عنوان پیشقراولان سلامت مردم، امید به عنایت شما به حل مشکلات پرستاری داشتند، نه تنها هیچ بازخوردی داده نشده، بلکه مشکلاتی جدیدتر و بیشتر هم به پرستاری اضافه شد و هم برخوردهایی غیر معمول و بی سابقه با فعالان صنفی و پرستاری کشور شد که جامعه پرستاری کشور به عنوان خاطراتی تلخ آن را فراموش نخواهد کرد."

"شرایط پرستاری کشورمان با توجه به مدیریت که نه، بلکه سلطه گروهی قلیل بر وزارت بهداشت بسیار بحرانی است. امروز نه تنها پرستاران، بلکه پیراپزشکان و کارکنان بهداشتی، درمانی و حتی قاطبه پزشکان عمومی و بسیاری از متخصصان و خلاصه بیش از ۹۵ درصد جامعه نظام سلامت از عملکرد مسوولان وزارت بهداشت ناراضی اند و این نارضایتی هم به شکلهای مختلف بروز و ظهور کرده است ولی برای آقایان اهمیتی نداشته.

برای مثال طرح مبتنی بر عملکرد (قاصدک) به عنوان بخشی از "طرح تحول نظام سلامت" را علی رغم مخالفت‌های کارشناسی و اعلام شکست آن توسط صاحب نظران فرآیند در سال ۹۳ به اصرار اجرا کردند و با توجه به تجمعات اعتراضی زنجیره ای در تمامی دانشگاههای علوم پزشکی کشور، باز هم بدون توجه به اعتراضات به اجرای آن ادامه دادند و آنچه که برایشان اهمیت نداشت، نظر اجرا کنندگان و صاحبان فرآیند بود و به جای به کارگیری شیوه های کارشناسی و مشارکت گروه های مختلف، شیوه های تهدید، تبعید، اخراج و تعلیق را پیشه کردند."

دو مراسم در یک روز به مناسبت روز پرستار

خبرگزاری مهر، ۲۳ بهمن - در آستانه روز پرستار، جامعه پرستاری برای اولین بار دو مراسم جداگانه را شاهد بود. این در حالی است که تا سال گذشته همواره رسم بر این بوده که یک مراسم نمادین در قالب جشن روز پرستار برای پرستاران برگزار می شد.

اما برای اولین بار امسال قرار شد سازمان نظام پرستاری کشور به عنوان تنها سازمان صنفی جامعه پرستاری کشور، میزبانی همایش روز پرستار را جداگانه عهده دار شود.

اجرای نشدن قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری بعد از گذشت ۸ سال و ۷ ماه از تصویب آن در مجلس شورای اسلامی (ششم تیر ۱۳۸۶)، شکاف در اختلاف پرداختی پزشک و پرستار، توجه نکردن به خواسته های معقول و منطقی جامعه



پرستاری، عدم امنیت شغلی پرستاران شرکتی، تبعیض در برخورد با دانشجویان پرستاری و... به عنوان ملاکهای انتقاد جامعه پرستاری از متولیان نظام سلامت، باعث شده تا سازمان نظام پرستاری کشور در دوره جدید، همایش

پرستاری را جایگزین جشن پرستاری کند. بر اساس اعلام سازمان نظام پرستاری کشور، قرار بر این شد که همایش روز پرستار صبح شنبه ۲۴ بهمن ماه جاری در مرکز همایشهای برج میلاد برگزار شود.

در همین حال، وزارت بهداشت نیز با ارسال پیامک به رسانه ها، برگزاری جشن روز پرستار در مرکز همایشهای صدا و سیما با حضور وزیر بهداشت و تقدیر از پرستاران نمونه را اطلاع رسانی کرد.

ناخشنودی وزیر بهداشت از برگزاری همزمان دو برنامه در روز پرستار

سلامت نیوز، ۲۴ بهمن - وزیر بهداشت از برگزاری دو برنامه همزمان در روز پرستار ابراز ناخشنودی کرد و گفت: "برای امروز ناراحت هستم. نمی دانم این مباحث کی می خواهد درست شود. ما و شما هم عقیده ایم، اما نمی دانم چرا در برخی زمینه ها توضیحات ما برای برخی موثر نیست. شاید مشکل از خود ماست که نمی توانیم سخنان نافذ بگوییم!"

هاشمی ادامه داد: "پزشکان و پرستاران حتی اگر به دنبال مطالبات شان هستند، باید یک مجموعه پیوسته باشند. اگر جدای از هم عمل کنیم، نه سیاستمداران گوش شان بدهکار خواهد بود و فکر می کنند ما با هم دعوا داریم و بر سر مسایل صنفی، گروهی و شخصی مان غائله داریم و نه مردم می پسندند."

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۹۴

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۷۶ حرکت اعتراضی

*صبح روز پنجشنبه ۱ بهمن، کارگران کارخانه سرم سازی در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق شان مقابل فرمانداری اردبیل اجتماع کردند. به گزارش فارس، این اعتراض‌های کارگری در حالی در اردبیل به صورت هفتگی برگزار می‌شود که بسیاری از واحدهای تولیدی استان به حالت تعطیل و یا نیمه تعطیل درآمده و در این واحدهای تولیدی توانی برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی وجود ندارد.

*صبح روز شنبه ۳ بهمن، کارگران کارخانه نساجی مازندران در اعتراض به عملی نشدن وعده کارفرما مبنی بر پرداخت مطالبات شان مقابل فرمانداری قائم شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در آخرین تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه نساجی مازندران که در روزهای ۲۵ و ۲۶ دی ماه انجام شد، کارفرما وعده پرداخت یک ماه از مجموع ۴ ماه مزد عقب افتاده ۴۰۰ کارگر این کارخانه را حداکثر تا پایان دی ماه داده بود اما با گذشت سه روز از شروع ماه بهمن هنوز در مورد پرداخت مطالبات مزدی آنها اتفاقی نیفتاده است.

*کارگران بیکار شده کارخانه ریزدانه شب تاب در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی در روز شنبه ۳ بهمن دست به تجمع مقابل فرمانداری فراهان زدند. به گزارش فراهان خبر، شرکت ریزدانه شب تاب فراهان تولید کننده نوعی شیشه که از آن در رنگ آمیزی ترافیکی جاده ها استفاده می شود است و کارگران این شرکت مدت یک ماه و سه روز است که از کار بیکار شده اند.

*روز شنبه ۳ بهمن، جمعی از کارگران پیمانکاری شاغل در فاز ۱۴ منطقه ویژه عسلویه دست از کار کشیده و با برپایی تجمعی اعتراضی خواستار وصول معوقات مزدی خود شدند. به گزارش ایلنا، به دنبال برپایی این اجتماع اعتراضی برای ساعاتی امکان عبور و مرور و فعالیت‌های روزانه مراجعه کنندگان به محدوده منتهی به فاز ۱۴ با مشکل مواجه شد. این کارگران از طریق سه شرکت پیمانکاری دست دوم و دست سوم در پروژه‌های فاز ۱۴ مشغول کارند و به صورت متوسط در هر شرکت پیمانکاری تا حدود ۴۰۰ کارگر مشغول کارند. روز یکشنبه ۴ بهمن، اعتصاب و تجمع کارگران پیمانکاری شاغل در فازهای ۱۴ منطقه ویژه عسلویه دومین روز خود را پشت سر گذاشت.

*روز یکشنبه ۴ بهمن، تعدادی از کارگران کارخانه روغن نباتی قو در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان و مشکلات ناشی از سو مدیریت در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پرداخت نشدن به موقع حقوق، عدم تأمین لباس کار، عدم پرداخت اضافه کار، پرداخت نشدن حق شیفت و بی توجهی به مشکلات کارگران از مهم ترین مسائلی است که توسط کارگران تجمع کننده مطرح شد.

*روز دوشنبه ۵ بهمن، تعدادی از کارگران و کارمندان کارخانه کاشی و سرامیک حافظ در شیراز با تجمع مقابل ساختمان استانداری فارس خواستار پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه، تضمین امنیت شغلی خود و سایر همکاران شان شدند. به گزارش تسنیم، این گروه از کارگران روز گذشته نیز در مقابل ساختمان بخشداری زرگان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات این کارخانه و کارگران آن شدند.

*روز دوشنبه ۵ بهمن، جمعی از رفتگران شهرداری آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن چهار ماهه حقوق خود روبروی فرمانداری آبادان اجتماع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران حاضر در این اجتماع که تعدادشان به حدود ۷۰ تن می‌رسید، به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود اعتراض کردند.

*صبح روز دوشنبه ۵ بهمن، جمعی از کارگران رسمی پتروشیمیهای واگذار شده به بخش خصوصی در عسلویه و ماهشهر در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت استخدامی خود مقابل وزارت نفت در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این اجتماع اعتراضی با به هم پیوستن گروههایی از کارکنان رسمی واحدهای پتروشیمی مستقر در مناطق مختلفی همچون بندر امام و ماهدشت در استان خوزستان و منطقه عسلویه در استان بوشهر تشکیل شده است. صبح روز سه شنبه ۶ بهمن، این تجمع برای دومین روز مقابل مجلس رژیم انجام شد.

*روز سه شنبه ۶ بهمن، بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانه نساجی مازندران در واکنش به محقق نشدن وعده مسئولان استانی و شهرستانی با داشتن پلاکارد در خصوص عدم تحقق مطالبات خویش دست به راهپیمایی اعتراض آمیزی در مسیر خیابانهای اصلی قائمشهر زدند. به گزارش ایلنا، کارگران پس از عبور از خیابانهای اصلی قائمشهر در مقابل فرمانداری تجمع نمودند و خواستار پاسخگویی مسئولان شدند. کارگران می‌گویند بعد از گذشت ۵ ماه حقوق ما از سوی شرکت پرداخت نشده و این در حالی است که تولید و فروش به طور مداوم جریان دارد.

*جمعی از کارگران شرکت کنتورسازی استان قزوین در روز سه شنبه ۶ بهمن در مقابل استانداری قزوین تجمع کرده و اعتصاب خود را اعلام کردند. به گزارش تسنیم، یکی از کارگران شرکت کنتورسازی قزوین درباره علت اعتصاب کارگران این شرکت گفت: کارگران شرکت کنتورسازی حدود پنج ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده و در مقابل تنها با وعده های مدیران مواجه شده ایم.

*به گزارش کارگران کرمان، روز سه شنبه ۷ بهمن، کارگران بیکار شده مس خاتون آباد مقابل درب ورودی مجتمع مس خاتون آباد تجمع کرده و راه را بر کارگران و پرسنل این مجموعه بستند. این کارگران شب قبل در نمازخانه خوابیده بودند که نیروهای تامین شهرستان ۲۸ تن از آنها را بازداشت کرد و به دنبال این اقدام سرکوبگرانه روز چهارشنبه ۷ بهمن خانواده های آنان در مقابل درب ورودی مجتمع مس تحسن کرده و عملاً کوره ذوب را تعطیل کردند.

*صبح روز شنبه ۱۰ بهمن، حدود ۴۰۰ کارگر معدن طزره در شهرستان شاهرود در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه دست از کار کشیدند و در محوطه این واحد معدنی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران نزدیک به سه و نیم ماه مطالبات مزدی و حدود دو ماه حق بیمه پرداخت نشده طلبکارند.

*روز شنبه ۱۰ بهمن، کارگران و قُربانان شرکت جنگل سفارود در رضوانشهر در اعتراض به عدم پرداخت ماههاحقوق دست از کار کشیده و مقابل درب ورودی شرکت تجمع کردند. به گزارش ماسال نیوز، کارگران عدم پرداخت حقوق ماههای گذشته خود را علت این تجمع دانستند.

*روز شنبه ۱۰ بهمن، کارکنان اداره کل نوسازی مدارس استان همدان به دلیل عدم افزایش حقوق و مزایا مقابل ساختمان این اداره تجمع کردند و خواستار اجرای قانون رتبه بندی معلمان برای کارکنان این مجموعه شدند. به گزارش تسنیم، یکی از معترضان اظهار داشت: مهمترین مطالبه ما افزایش میزان حقوق سالانه است.

*روز یکشنبه ۱۱ بهمن، تعدادی از کارکنان شهرداری صیدون به علت عدم پرداخت حقوق و دستمزد خود مقابل فرمانداری باغملک تجمع کردند. به گزارش باغ ملک نیوز، یکی از این کارگران به نمایندگی از تجمع کنندگان گفت: ما حقوق ۷ ماه خود را دریافت نکرده ایم و با توجه به مشکلاتی که داریم در تهیه هزینه های زندگی خودمان درمانده ایم.

*چند صد تن از کارگران پیمانکاری فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه در اعتراض به معوقات مزدی در روز شنبه ۱۰ بهمن دست از کار کشیدند و در محوطه کارگاه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که از نیروهای فنی متخصص شاغل در فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه هستند، حدود ۴ ماه مطالبات مزدی معوقه دارند. اعتصاب این کارگران در روز یکشنبه ۱۱ بهمن به دنبال پرداخت یک ماه حقوق خاتمه یافت.

*روز یکشنبه ۱۱ بهمن، کارگران بیکار شده کشتارگاه جلین در شرق گرگان دست به تجمع اعتراضی مقابل استانداری گلستان زدند. به گزارش گلستان ما، کشتارگاه نیمه صنعتی جلین بیش از ۴۰ سال قدمت دارد که تا ۱۰ سال پیش به صورت سنتی کار می کرده ولی از آن تاریخ به بعد حالت نیمه صنعتی پیدا کرده است.

*صبح روز یکشنبه ۱۱ بهمن ماه، کارگران معدن شمال شرق ملج آرام رامیان، در اعتراض به ۱۰ ماه حقوق پرداخت نشده خود، دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان رامیان زدند. به گزارش گل رامیان، دنبال این تجمع قرار شد تا روز سه شنبه ۱۳ بهمن ماه، یک ماه از حقوق کارگران پرداخت شود.

*به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۲ بهمن، بیش از ۵۰۰ تن از کارگزاران صندوقهای بیمه کشاورزی به دلیل نگرانی از اخراج و بیکار شدن و برای تامین امنیت شغلی، مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند.

*صبح روز دوشنبه ۱۲ بهمن، بیش از ۲۵۰ تن از کارگران بخش صنعتی و کشاورزی «مجتمع نی شکر هفت تپه» برای دومین روز متوالی در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه معوقات مزدی و مزایای پاداش و بهره‌وری سالهای ۹۳ و ۹۴ مقابل ساختمان اداری این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مدیران مجتمع نی شکر هفت به دنبال یافتن راهی برای پایان دادن اعتراضات هستند و این در حالی است که کارگران معترض خواهان روشن شدن وضعیت مطالبات مزدی خود هستند.

*روز چهارشنبه ۸ بهمن، کارگران معدن زمستان یورت دست به اعتصاب زدند و همراه با خانواده های خود در مقابل فرمانداری آزاد شهر در استان گلستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معدن «زمستان یورت» که از دو واحد «شمال غرب» و «شمال شرق» تشکیل شده حدود ۱۱ ماه بابت مطالبات مزدی معوقه خود طلبکارند.

روز دوشنبه ۱۲ بهمن، کارگران معدن زغال سنگ زمستان یورت در ادامه اعتراضات خود برای ششمین روز متوالی در ماه جاری همراه خانواده های خود در مقابل ساختمان فرمانداری آزاد شهر تجمع کردند. روز سه شنبه ۱۳ بهمن، یک ماه از مجموع ۱۱ ماه از مطالبات مزدی معوقه کارگران معدن زمستان یورت پرداخت شد. همچنین کارفرمای زمستان یورت وعده داده است که باقیمانده معوقات مزدی آنها را تا بیستم اسفند ماه پرداخت خواهد کرد. کارگران نیز پس از ۷ روز اعتصاب به کار خود بازگشتند.

*بیش از ۶۰۰ تن از کارگران شاغل در معادن ذغال سنگ منطقه طزره دامغان متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز شرقی، صبح روز سه شنبه ۶ بهمن، دست از کار کشیدند و با تجمع اعتراض آمیز در محل مجموعه اداری این شرکت در

شهرستان شاهرود خواهان رسیدگی مسئولان به مشکلات خود به ویژه عدم پرداخت چندین ماه حقوق معوق شدند. به گزارش تسنیم، کارگران معادن ذغال سنگ البرز شرقی در طول ماههای اخیر بارها برای رفع مشکلات خود مجبور به تجمع در مراکز دولتی شهرستانهای شاهرود و دامغان شدند. پیرامون تجمع این تجمع اعتراضی یکی از کارگران به خبرنگار ایلنا گفت: امروز ابتدا در محوطه مستقر در کارگاه معدن تجمع کردیم اما در نهایت چون به خواسته ما از سوی کارفرما توجهی نشد با طی یک مسافت ۷۰ کیلومتری تجمع خود را به مقابل دفتر اداری معدن در شهر شاهرود انتقال دادیم.

روز یکشنبه ۱۱ بهمن حرکت اعتراضی کارگران در ششمین روز پیاپی خاتمه یافت اما کارگران به اعتصاب خود ادامه داده و در روز دوشنبه ۱۲ بهمن، اعتصاب کارگران هفتمین روز خود را پشت سر گذاشت. صبح روز چهارشنبه ۱۴ بهمن، پس از ۷ روز اعتصاب، یک ماه از سه و ماه و نیم حقوق عقب افتاده کارگران معدن ذغال سنگ طزره، پرداخت شد و بدین ترتیب کارگران کار در معدن را آغاز کردند.

*روز چهار سنبه ۱۴ بهمن، کارکنان و کارگران کارخانه سیمان خوزستان برای سومین روز متوالی در مقابل فرمانداری رامهرمز تجمع کردند و از فرماندار خواهان وصول مطالبات خود از جمله امور بیمه ای و اداره کار شدند. که این امر به شهرستان هفتکل واگذار شد. به گزارش خورنا، تعدادی از این کارگران گفتند: شرکت سیمان در زمینهای کشاورزی حوزه استحفاظی رامهرمز است چرا کارهای اداری این شرکت به هفتکل واگذار شود؟

*کارگران کارخانه آرتا تجارت زرین (سبلان پارچه سابق) در روز پنجشنبه ۱۵ بهمن بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها دست به تجمع مقابل استانداری اردبیل زدند.

به گزارش سبلانه، تعویق حقوق کارگران در ماههای گذشته در این استان تبدیل به معضلی بزرگ شده است به طوری که بعد از حضور چندین باره کارگران ذوب آهن اردبیل، این روزها کارگران آرتا تجارت زرین هم در مقابل استانداری اردبیل تجمع کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات شان شدند.

*روز پنجشنبه ۱۵ بهمن، کارگران بیکار شده کشتارگاه جلین بار دیگر مقابل استانداری گلستان تجمع کردند. به گزارش گلستان ما، این کارگران قبلاً نیز چند بار مقابل استانداری تجمع کرده بودند و شواهد حکایت از آن داشت که مشکل حل شده، اما کارگران می گویند همه این کارها دست دست کردن و تعلل است و هنوز درب کشتارگاه باز نشده است .

*روز آدینه ۱۶ بهمن، شمار زیادی از کارکنان و کارگران واحدهای پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به روند واگذاری پتروشیمی به بخش خصوصی برای دومین روز منوالی اقدام به چند تجمع در محدوده واحدهای پتروشیمی کردند. به گزارش مانا، کارکنان واحدهای پتروشیمی بندر ماهشهر در سال جاری بارها در اعتراض به کاهش مزایای حقوقی و نابسامانی در وضعیت نیروهای قراردادی تجمع کرده و در مواردی دست به اعتصاب غذا زدند.

بزرگترین تولید زنجیره پتروشیمی در ایران و خاورمیانه در بندر ماهشهر واقع شده و در این بندر ۲۱ واحد پتروشیمی با تولید سالانه ۱۷ میلیون تن فعالیت می کنند. از مجموع واحدهای پتروشیمی بندر ماهشهر، واحد رازی به سرمایه گذاران ترکیه واگذار شده است.

*روز آدینه ۱۶ بهمن، در حالی معدن طلای ساریگونی افتتاح شد که کارگران اخراج شده و حقوق نگرفته کارخانه در مقابل درب ورودی آن تجمع کردند. به گزارش گُرد تودی، در حالی که محمد رضا نعمت زاده گرم سخنرانی خود بود، کارگرانی از روستاهای اطراف در مقابل درب ورودی کارخانه استحصال معدن طلای ساریگونی تجمع کرده و نسبت به حقوق از دست رفته خود اعتراض کردند.

*صبح روز شنبه ۱۷ بهمن، تعدادی از کارگران کارخانه نساجی مازندران به دلیل طلب چند ماهه حقوق عقب مانده در سطح خیابانهای مرکز استان مازندران راهپیمایی اعتراضی کردند. به گزارش فارس، کارگران معترض با راهپیمایی از بلوار ارتش به سمت سبزمیدان در مقابل استانداری مازندران تجمع کردند و خواستار دیدار با استاندار مازندران و یا معاون سیاسی امنیتی استانداری شدند. نیروهای امنیتی استانداری با قرار دادن میله های حفاظتی و کوچک کردن فضای مقابل استانداری موجب عقب رفتن معترضان تا پیاده رو و قسمتی از خیابان انقلاب شدند که همین مساله موجب ترافیک سنگین در خیابان انقلاب ساری تا میدان ساعت و خیابان قارن شد. نیروی های امنیتی در حالی عرصه اعتراضی را برای معترضان کاهش دادند که می توانستند با قرار گرفتن در مقابل ساختمان ورودی استانداری از ترافیک سنگین در خیابان انقلاب جلوگیری کنند.

یکی از کارگران معترض با بیان این که پنج ماه حقوق نگرفتیم و با مشکلات شدید اقتصادی مواجه شدیم، گفت: مسئولان فقط وعده برطرف کردن مشکلات این کارخانه را می دهند، اما همه وعده های آنها پوچ است.

*به گزارش اردکان گویا، روز یکشنبه ۱۸ بهمن، تعدادی از کارگران کارخانه کاشی ایفا سرام به دلیل عقب افتادن حقوق و مزایای خود اعتصاب کردند.

*روز یکشنبه ۱۸ بهمن، کارگران خدمات شهری و فضای سبز شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به تجمع مقابل شهرداری خرمشهر زدند. به گزارش ایرنا، کارگران حاضر در این اجتماع اعتراضی زیر پوشش پیمانکار سازمان منطقه آزاد اروند هستند.

*روز یکشنبه ۱۸ بهمن، تعدادی از کارگران بازنشسته و شاغل معدن زغال سنگ البرز شرقی واقع در طزره در واکنش عدم توجه کارفرما به حقوق آنان، تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که از نیمه دوم سال ۹۲ بازنشسته شده اند تا کنون حق سنوات پایان کارشان پرداخت نشده است.

*کارگران پیمانکاری شاغل در شرکت فرآورش پتروشیمی بندر امام، برای دستیابی به خواسته خود، روز یکشنبه ۱۸ بهمن دست از کارکشیدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، از حدود دو ماه پیش در جریان نقل و انتقالات حقوقی-اداری و جایگزینی شرکت پیمانکاری «شاخص» به جای شرکت قبلی (رامپکو)، حقوق و مزایای کارگران، توسط شرکت جدید نادیده گرفته و پرداخت نشده است.

*کارگران باغ کتاب به دلیل نگرفتن ۸ ماه حقوق صبح روز شنبه ۱۷ بهمن مقابل این مجموعه تجمع اعتراض آمیز برپا کردند. به گزارش فارس، کارگران معترض اعلام کردند که طی فعالیت در سال جاری، ۸ ماه از حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. روز دو شنبه ۱۹ بهمن، کارگران باغ کتاب تهران پس از وعده کارفرما مبنی بر پرداخت بخشی از معوقات مزدی به تجمع سه روزه خود خاتمه دادند.

*روز دوشنبه ۱۹ بهمن، کارگران فاز ۱۹ عسلویه در اعتراض به ۴ ماه معوقات مزدی در محوطه کارگاه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران حدود ۴ ماه معوقات مزدی پرداخت نشده دارند. این کارگران که همه از نیروهای فنی متخصص هستند در شرکتهای پیمانکاری دست سوم مشغول به کار هستند.

روز دوشنبه ۱۹ بهمن، کارگران بیکار شده کارخانه کاشی کویر مقابل استانداری یزد تجمع کردند. به گزارش یزد رسا، کارگران در این تجمع حرف صریح خود را در یک جمله نوشتند؛ «ما گرسنه ایم...»

*روز دوشنبه ۱۹ بهمن، جمعی از رانندگان اتوبوس شرکت واحد آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق خود دست از کار کشیده و در محل کار حاضر نشدند. به گزارش ایرنا، یکی از رانندگان دلیل اصلی این اعتصاب را پرداخت نشدن حقوق و معوقات این کارگران عنوان کرد. روز سه شنبه ۲۰ بهمن، حرکت اعتراضی این کارگران دومین روز خود را پشت سرگذشت.

*صبح روز شنبه ۱۷ بهمن، کارگران رسمی و پیمانی صنایع دریایی ایران صدرا بوشهر در اعتراض به عقب افتادن حقوق معوقه ۸ ماهه خود برای سومین بار جلوی درب استانداری بوشهر دست به تجمع و تحصن زدند. به گزارش گام نیوز، یکی از کارگران رسمی این شرکت گفت: ما کارگران علیرغم اینکه برای چندمین بار جلوی استانداری آمده ایم و درخواست احقاق حقوق خود را داریم کسی توجهی به ما و مشکلاتمان ندارد. روز سه شنبه ۲۰ بهمن، اعتراض این کارگران چهارمین روز خود را پشت سر گذاشت و در این روز حرکت اعتراضی ۴ روزه کارگران با قول مساعد معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری بوشهر مبنی بر پرداخت بخشی از مطالبات کارکنان شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) جاری پایان یافت.

*صبح روز شنبه ۲۴ بهمن، چند صد تن از کارگران فصلی «نی بر» مجتمع کشت و صنعت هفت تپه (که به کار تخصصی بردیدن ساقه نی شکر اشتغال دارند) در واکنش به پرداخت نشدن بیش از ۶ ماه حق بیمه دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران گفت: معترضان به قصد تجمع در مقابل ساختمان فرمانداری شهرشوش مسافت ۷ کیلومتری محل کار تا ورودی شهر را راهپیمایی کردند.

*روز شنبه ۲۴ بهمن، تعدادی از کارگران کارخانه کچ بیجار در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و بلا تکلیفی شغلی شان مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش بام ایران، یکی از کارگران اظهار داشت: متأسفانه اداره کار به جای اینکه حامی کارگران باشد حامی پیمانکاران است و به دلیل نبود برنامه ریزی مدت ۲ سال است که در بلا تکلیفی شغلی به سر می بریم و متأسفانه هیچگونه جوابی دریافت نکرده ایم.

*جمعی از کارگران بازنشسته معدن زغال سنگ طزره (البرز شرقی) در اعتراض به پرداخت نشدن سنوات بازنشستگی خود روز شنبه ۲۴ بهمن با سفر به تهران مقابل شرکت ذوب آهن اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، به گفته معترضان هر کدام از کارگران رسمی بابت سنوات پایان کار خود به صورت میانگین از ۹۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان و کارگران قراردادی بازنشسته نیز بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان طلبکارند.

*روز شنبه ۲۴ بهمن، جمعی از کارکنان آب منطقه ای زاهدان در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق معوقه خود در اداره آب منطقه ای سیستان و بلوچستان تجمع کردند. به گزارش عصر هامون، کارمندان پس از نا امیدی از وعده های داده شده تجمع کردند و خواستار پیگیری معوقات خود شدند.

*روز یکشنبه ۲۵ بهمن، کارگران سد جره در اعتراض به تغییر وضعیت شغلی خود مقابل فرمانداری رامهرمز تجمع کردند. به گزارش رامهرمز نیوز، کارگران سد جره خواستار تغییر وضعیت خود بعد از گذشت سالها سابقه کاری شدند.

*روز یکشنبه ۲۵ بهمن، تعدادی از کارگران معدن ذغال سنگ همکار راور در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماهه شان لباس کار نپوشیدند و از رفتن به درون معدن خود داری کردند. به گزارش کارگران کرمان، یکی از مسئولان شرکت ذغال سنگ در این خصوص گفت: شرکت ذغال سنگ کرمان چندین ماه است که دچار بحران نقدینگی است که هنوز این نقدینگی تامین نشده و بارها جلسات مختلفی با مسئولان امر برگزار کرده ایم اما این جلسات هنوز برای ما پول نشده است.

*در پی تصادف شب ۲۵ بهمن ۹۴ در محل دوراهی شهرک زرنندو که منجر به مرگ دو نوجوان ۱۸ ساله شد، عصر دوشنبه ۲۶ بهمن ۹۴ در حرکتی خود جوش از طرف مردم شهرک زرنندو، توانیر و مسکن مهر مسیر چهار راه توانیر در کمر بند شرقی زرنندو با اجتماع مردم بسته شد. به گزارش صدای زرنندو، جاده شهرک زرنندو به عنوان جاده کمر بندی شرقی شهر زرنندو محسوب می شود که روزانه ماشینهای سنگین متعددی از این مسیر عبور می کنند.

*کارگران واگن پارس اراک برای چندمین بار طی سال جاری در اعتراض به عملکرد مدیریت این شرکت در زمینه تعطیلی خطوط تولید و همچنین پرداخت نشدن بیش از چهار ماه از حقوق و مزایای خود در روز دوشنبه ۲۶ بهمن دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. به گزارش مهر، کارگران معترض کارخانه واگن پارس اراک علاوه بر درخواست پرداخت حقوق معوقه، خواهان راه اندازی مجدد خطوط تولید هستند تا کارخانه از وضعیت فعلی خارج شود.

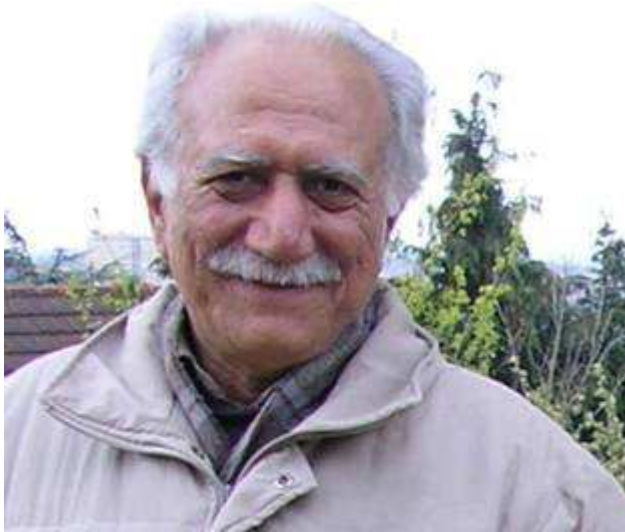
*تعدادی از کارکنان و کارگران معادن شرکت البرز شرقی شهرستان شاهرود به علت پرداخت نشدن مطالبات این شرکت توسط دولت، روز سه شنبه ۲۷ بهمن در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. به گزارش فارس، معاون مالی اداری معدن البرز شرقی گفت: این شرکت در حال غرق شدن است و راه نجاتی برای آن به جز کمک دولت نیست. ما امروز مقابل درب ریاست جمهوری جمع شده ایم تا یک نفر به داد ما برسد، اما تاکنون هیچکس توجهی به درخواستهای ما نداشته است.

*پس از تجمعات اخیر در چوکا و سفارود برای عدم دریافت حقوق، این بار کارگران صنایع چوب اسالم در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق شان در روز دوشنبه ۲۶ بهمن مقابل درب ورودی این شرکت تجمع کردند. به گزارش ماسال، کارگران شرکت سفارود از شهریور ماه حقوق دریافت نکرده اند. روز سه شنبه ۲۷ بهمن، کارگران کارخانه چوب اسالم برای روز دوم با تجمع مقابل درب ورودی شرکت تحسن کردند.

*روز چهارشنبه ۲۸ بهمن، حدود ۴۰۰ تن از کارگران پیمانکاری فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه در اعتراض به چندین ماه معوقات مزدی مقابل دفتر مدیریت پیمانکار اصلی اعتصاب و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که در شرکتهای پیمانکاری زیر شاخه شرکت اجرایی احداث مشغول به کار هستند به نشانه اعتراض تجمع کردند. اعتصاب کارگران پیمانکاری فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه برای سومین روز متوالی در روز جمعه ۳۰ بهمن ادامه پیدا کرد. همچنین ایلنا طی گزارشی در روز جمعه ۳۰ بهمن از ادامه اعتصاب حدود ۸۰۰ تن از کارگران پیمانکاری فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه خبر داد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

در سوگ درگذشت رفیق تراب حق شناس



با تأسف بسیار رفیق تراب حق شناس در آخرین ساعات روز دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴ در بیمارستان امیل روکس درگذشت. رفیق تراب طی چندین دهه در راه آزادی و عدالت پیکار کرد و همواره از مدافعان خلق فلسطین بود. هفته گذشته که به ملاقات او رفته بودم از این که کارهای زیادی را باید انجام دهد صحبت کرد و از استقبال جامعه کتابخوان ایران و به ویژه جوانان، از آثار کمونیستی بسیار شادمان بود.

از جانب خودم و از طرف رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت رفیق تراب را به رفقای اندیشه و پیکار، به خانواده و دوستان او و به همه آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع

سه شنبه ۶ بهمن ۱۳۹۴ - ۲۶ ژانویه ۲۰۱۶

بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»
«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

منتشر شد

زیر محک زمان

قطعه نامه های سه اجلاس شورای عالی سچفا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن



برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو

هزینه پستی ۲ یورو

”شعله بر گرده غروب“

م . وحیدی (صبح)

ابر پُر هراس می بارد
 بر شانه های خمیده غروب و
 کاجهای بی تاب
 در خلوتگاه من
 فصلهای بی تجربه را
 دوره می کنند
 حیاط
 پراز حس سرودن است و
 باران
 با الفاظ آبی منتشر خود
 اندوه مرا در قرن یخی
 برای باغچه تفسیر می کند
 قاصدکی
 که در او شور رفتن است
 در شب آستن
 راز سفر خود را
 در گوش گلی ناشناس
 زمزمه می کند
 به زیر باران بیا!
 میان موسیقی بارور سبزه ها و
 شادی علفها
 صبح تو
 سکون عبوس مردگان است و
 خلوت گورستانی است
 که در کوچه های پاییزی شهر
 می دود
 ای کاش پنجره من
 بر بالش پر شاپرکها
 به سوی دشتهای آبی می رفت و
 نجوایم در معابر کودکی
 سالخوردگی آسمان را
 رنگ شادی می زد!
 ای کاش عاشقانه ترین صدا
 در گلوی سرخ فصول
 مُترنم بود!

و ساعتها
 با غزلهای ناسروده شان
 بادهای جهان را
 سرودی می ساختند
 خوشا طعم شبگیر و
 تبلور زلال بیداری
 و جهانی که یکسر
 خالی از حسرت و حصار و حزن
 باشد

پیامهای فعالان سیاسی اجتماعی در داخل ایران

پیام جمعی از دانشجویان کمونیست

سالروز جاودانگی شهیدان سیاهکل گرامی باد!
 کار آنها باقی است و آرمان آنها آتشی گرم و نیروبخش برای کوشندگان راه آزادی است. زنده و همیشگی طریق آنان، که کردار و اندیشه ی متعفن قاتلان مرتجع به امر تاریخ در گور است.
 جمعی از دانشجویان کمونیست بهمن ۱۳۹۴

پیام جمعی از جوانان کمونیست ایران به مناسبت سالگرد حماسه سیاهکل

۴۵ سال پیش در سیاهکل گلوله ای شلیک شد که هنوز صدای کر کننده آن دو سلسله حاکمیت در ایران را وحشت زده می کند. وقتی چریکهای فدایی خلق ادعا دارند، انقلاب حرفه ماست غلو نمی کنند، آنها کمتر از یک دهه پنجمین ارتش قدرتمند جهان (ارتش شاهنشاهی ایران) را شکست دادند
 آنچه از شاه به سال ۵۷ کشیده شد، جسد یک سلطان کم خونی بود که سپر فولادین آن را چریکها سوراخ کرده بودند. حاکمان مذهبی و احزاب گمراه تنها این لاشه ی متعفن را در خاک کردند و بر مسند قدرت نشستند.
 ما جمعی از جوانان کمونیست ایران از اردبیل تا کردستان و از تبریز تا خراسان ۴۵ امین سالگرد رستاخیز ۱۹ بهمن، سیاهکل را گرامی می داریم. دست آورد های این قیام پر افتخار خلق چون راز ستاره و سنگر بر تارک آسمان انقلاب سوسیالیستی پر فروغ باد.
 جمعی از جوانان کمونیست ایران بهمن ۱۳۹۴

پیام جمعی از کارگران پروژه ای منطقه عسلویه و پارس جنوبی

چهل و پنجمین سالگرد رستاخیز سیاهکل گرامی باد
 درود بیکران بر حماسه سازان سیاهکل که بسان شیر غریدند و با خون سرخ شان نهال انقلاب را آبیاری نموده و در آن دوران سیاه ستم شاهی نور امید را در دل خلق قهرمان ایران کاشتند.
 درود بر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ادامه دهندگان راه سرخ آنان و تبریک به خلق قهرمان ایران به خاطر این روز ملی
 بهادر پرویزی و جمعی از کارگران پروژه ای منطقه عسلویه و پارس جنوبی بهمن ۱۳۹۴

پیام هواداران سچفخا در لرستان

رفقا، گرامیان درود بر شما

۱۹ بهمن ماه یاد آور درخشش اخترانی ست که چون آذرخش بر سپهر شب گرفته میهن درخشیدند و سکوت گورستانی مسلط بر میهن را شکستند و نوید بخش فرادهای روشن گردیدند. رفقای جان بر کفی که آتوها بر افروختند که تا امروز فروزه های آن در حال گداختن بوده و خاموشی نمی گیرد و امروز علیرغم تسلط جمهوریت جنون و جنایت بر میهن بلا زده، جوانان ایران جستجو گر راه این قهرمانان هستند...رفقا! با ایمان به راه پیشگامان سياهکل پیمان می بندیم که از این خونهای ریخته خورشید ها بر می افروزیم... دستان نیرومند و خستگی ناپذیرتان را به گرمی می فشاریم و ایمان داریم که؛ نیست تردید که زمستان گذرد، وز پی اش پیک بهار، با هزاران گل سرخ، بی گمان می آید.

از طرف هواداران سچفخا در لرستان بهمن ۱۳۹۴

پیام جمعی از پشتیبانان جنبش فدایی

امسال نیز در شامگاه ۱۹ بهمن، ما یاد و خاطره رزمندگان دلیر سياهکل را با برافروختن آتش ارتفاعات البرز و با خواندن سرود «آفتابکاران جنگل» گرامی داشتیم. چهل و پنجمین سالگرد رستاخیز سياهکل را با ایمان به نابودی ستم و استثمار و با تلاش برای سرنگونی نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی گرامی می داریم. این یک ننگ بزرگ برای رژیم حاکم بر میهن ماست که اجازه نمی دهد سالگرد حماسه همیشه ماندگار سياهکل به طور علنی برگزار شود.

درود بر شهدای حماسه سياهکل

جمعی از پشتیبانان جنبش فدایی ۲۰ بهمن ۱۳۹۳

برای چهل و پنجمین سالگشت حماسه ی سياهکل

غافلان همساز اند / تنها طوفان، کودکان ناهمگون می زاید شاملو

تاریخ این دریای همواره طوفان زده و گرفتار تلاطم، گواهی می دهد که راه نجات، تنها زدن به دل و دیوار طوفان، و گلاویزی با سکانداران جور و جهل است. زیر سایه ی موج آسودن و یا بر فراز آن سوار شدن، راه گریز نیست، که این مامشات و موج سواری، کار جبه پوشان جبون رستاخیز پریروز، اصلاح طلبان عافیت طلب دیروز و جارچیان اعتدال و امید امروز بوده و هست. هیچ کدام این غافلان هیچ گاه از بالای طوفان نکاستند. بلکه با همسازی و همصدایی با ناخدایان سلطنت و ولایت، بر ویرانگری طوفان افزودند و سر آخر، پاره های کشتی درهم شکسته شان در کام طوفان فرو بلعیده شد. تنها کودکان ناهمگون دیروز بودند برآمده از دل دریا، که غافل و همسازی را به ریشخند گرفتند، به سان تندر و رعد بر دل و دیوار طوفان کوفتند، و رفتند... و امروز، از پس چهار دهه، چون خدایانی فلکی و ستارگانی قطبی، بر بالای این دریا می درخشند و نقشه ی راه می نمایند. یادشان نیک و فروغشان جاودان باد.

و درود بر شما یادآوران آن خدایان، که نگاه دارندگان آتش قطبی و راه افروز دریا دلان و موج شکنان آینده اید.

امید بهمن ۱۳۹۴

پیام یک رفیق

سلام و درود به بهمن، ماه رشادت و رستاخیز، ماه خاطره ها، ماه عشق و ایمان و حماسه

ماه بهمن و ۱۹ بهمن روز ملی ایران بر تمام آزادیخواهان و کمونیستها مبارک باد.

از من که هنوز در دل این گریه هستم ولی صدایم از دهان شیرین بیرون می زند تا بشماران در سراسر جهان به حماسه آفرینان سياهکل درود.

کارن

بهمن ۱۳۹۴

زندانی کردن کارگران مس خاتون آباد، یک اقدام ننگین

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر چهارشنبه ۱۴ بهمن

کارگران زندانی مس خاتون آباد با گذشت یک هفته همچنان در سیاهچالهای رژیم اسیرند و خانواده های آنان به دستگیری و بی اطلاعی از وضعیت آنها اعتراض دارند.

در سالهای قبل نیز کارگران مجتمع صنعتی خاتون آباد مورد «مهر» نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفته و برخی از آنها بر اثر تیراندازی ماموران حان شان را از دست دادند.

کارگران آزمون استخدامی را «تهدید امنیت شغلی» خود می دانند و اخراج ۱۳۰ کارگر این مجتمع دلیل واضح ادعای برحق کارگران است. در اعتراض به برگزاری آزمون استخدامی، بیش از ۱۵۰ کارگر این واحد تولیدی همراه با خانواده های خود دست به اعتراض و تحصن زده و روز سه شنبه ۶ بهمن، ۲۸ کارگر از میان کارگران معترض دستگیر شدند. وکیل کارگران زندانی در مورد وضعیت بهداشتی این کارگران گفت که «۶۰ درصد کارگران خاتون آباد مشکل ریوی دارند» که این مشکل به دلیل آلودگی محیط زیست این منطقه و عدم رعایت استانداردهای بین المللی و بهداشتی برای نیروی کار است.

قراردادن کارگران با سابقه کار طولانی در مجتمع صنعتی خاتون آباد در برابر آزمون جدید برای استخدام مجدد، بهانه ای برای اخراج و بیکار سازی کارگران و جایگزینی آنها با کارگران شرکتهای پیمانی و غیر بومی شده است. این نوع اخراجها و بیکار سازیها البته جدید نیست و یکی از بی رحمانه ترین شگردهای مدیران این واحدها برای اخراج کارگران بومی است. یک نمونه دیگر، به قتل رساندن یکی از ساکنان روستای شهرویی در شهرستان بهبهان در ۲۴ آذر سال جاری است که در اعتراض روستائیان این منطقه شرکت کرده بود.

بازداشت کارگران زحمتکش خاتون آباد محکوم است. خواست آنها برای برخورداری از کار برحق است. بیکار سازی نیروهای بومی و محلی اعمال ستم مضاعف برای نیروی کار و مردم محروم این منطقه است.

باز هم واردات زیر چتر فساد اقتصادی

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۷ بهمن

بی ارزشی شعار "اقتصاد مقاومتی" خامنه ای با هجوم واردات بیشتر با فرجام نوشیدن جام زهر بعد تازه ای پیدا کرده است. رییس کل بانک مرکزی می گوید، عمده منابع بلوکه ارزی آزاد شده صرف واردات شده است.

ولی الله سیف درباره توافق ژنو و آزاد شدن منابع مسدود شده، فاش می کند که در این توافقنامه مقرر شده بود ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار از داراییها آزاد شود و "بانک مرکزی با توجه به وجود تنگنای مالی در داخل کشور، این وجوه را به طور عمده صرف تنظیم بازار ارز و تامین نیازهای وارداتی کرده است".

بنا به تجربه، واردات در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی یعنی ریختن پول به جیب بخشهای دولتی و شبه دولتی و نورچشمیها که انحصار واردات کالا را در دست دارند و با سودهای کلان در بازار مردم را وادار به خرید می کنند. اختصاص درآمد نفتی به واردات، تا به حال به تولیدات داخلی ضربه های سهمگینی زده که نتایج عینی آن وضعیت نابسامان کارگران و کارورزان جامعه است. از کار افتادن کارخانه ها، پرداخت نشدن دستمزد کارگران، نابودی کشاورزی و بیکاری بخش از عواض این امر است.

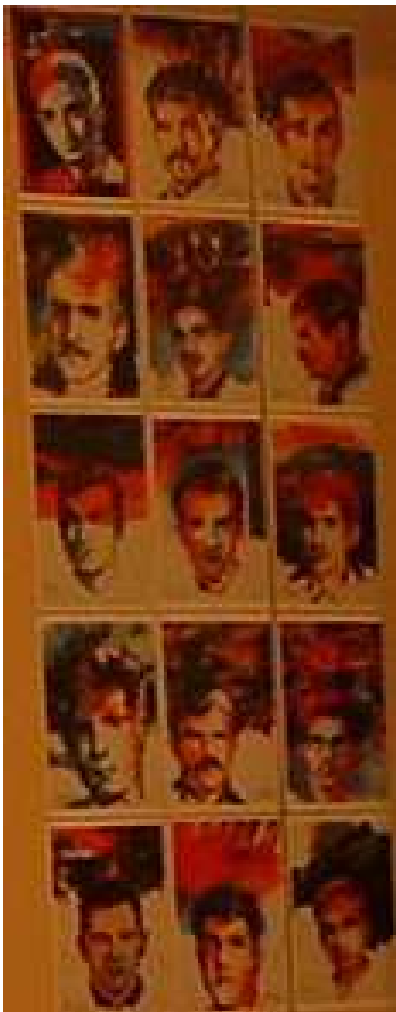
بیکاری از اولین و مهمترین زبانه‌های سیاست اقتصاد وارداتی است. در سال ۱۳۹۳ میزان خانواده‌های بدون فرد شاغل به ۲۴ درصد رسید. از میان مابقی خانواده‌ها، ۵۷ درصد یک نفر شاغل، ۱۵٫۵ درصد دو نفر شاغل و تنها ۳٫۵ درصد دارای سه نفر شاغل و بیشتر داشته‌اند. این در حالیست که همین مشاغل اکثراً کاذب و بدون امنیت شغلی هستند.

بحران بیکاری ۴۰ درصدی در ایران که ۲۸ میلیون را شامل می‌شود، اکثریت مردم را دچار فقر اقتصادی کرده است. رژیم که شعار مبارزه با استکبار جهانی را می‌دهد، در عمل با نابودی تولیدات داخلی، اقتصاد و شرایطی وابسته به واردات ایجاد کرده است.

واردات در صورتی می‌توانست به نفع مردم باشد که در خدمت تسکین تورم و گرانی، رفع نیازهای اساسی و به موازات آن تامین مواد اولیه تولیدی قرار می‌گرفت. اما خیل بیکاران، تعطیلی کارخانه‌ها، گرانی، تورم و بیکاری کشاورزان به خوبی نشانگر هدر رفتن پولهای آزاد شده در مسیر دیگری است.

از این رو نمی‌توان در آینده نیز انتظار بهبود وضع زندگی کارورزان جامعه را با آزاد شدن ثروتی که متعلق به مردم است، داشت.

شهدای فدایی در اسفند ماه



رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - علی اکبر صفایی فراهانی - احمد فرهودی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور اصیل - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیلچی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - مجتبی خرم آبادی - ابراهیم پور رضا خلیق - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر نیسانکی - احمد غلامیان لنگرودی - محمدرضا بهکیش - یدالله گل مژده - حمید آزادی - جعفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوریان - جلیل حواری نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - هوشنگ اقبالی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس خرده بین - ناصر نجم الدینی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۹ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۲ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

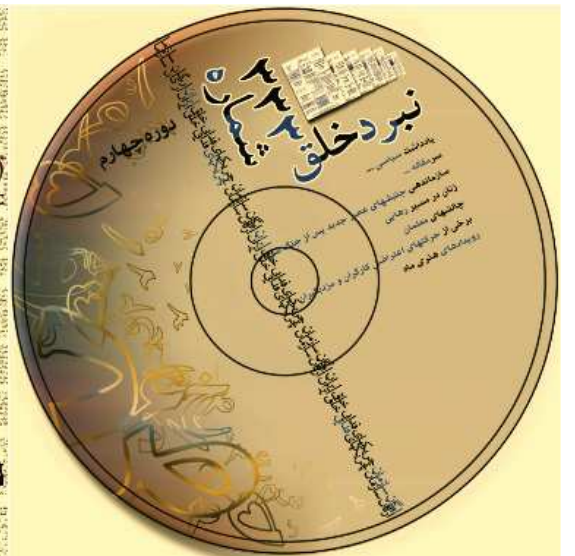
درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۹ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۲ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 368 20 Fev 2016

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

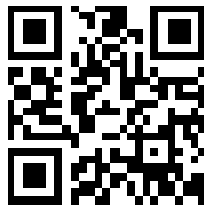
[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh



آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org